

۴
کلمهپشت صحنه مرد نویسنده
گفت‌وگوی لی لی گلستان با دولت‌آبادی۶
توسعهاقتصاد و اقتدار
تحلیل اقتصادی دیدار پوتین و ترامپ۸
حافظهبرخی برابرترند!
قلعه حیوانات ۸۰ ساله شد۳
افق

صف آرایای اروپایی

رهبران اتحادیه اروپا به آمریکا می‌روند

یادداشت روز

تقویت اعتماد عمومی

درباره پیشنهاد رئیس قوه قضائیه
درباره اصلاح قانون مطبوعات

صالح نقره‌کار

حقوقدان



در دیدار اخیر رئیس قوه قضائیه با اصحاب رسانه از خبرنگاران خواسته شد، پیشنهادهايشان را برای بازنگری قانون مطبوعات ارائه دهند. اکنون فرصتی فراهم شده است تا نگاهی تازه و مسالهمحور به قانون مطبوعات بیندازیم. قانون مطبوعات هر دوره محصول مبارزات اجتماعی و سیاسی همان دوره است و اهمیت آن روشن می‌شود چراکه ضامن فعالیت آزاد رسانه‌ها، شفافیت، پاسخگویی و گردش آزاد اطلاعات است. هرگاه آزادی بیان تقویت نشود، شاهد کاهش فساد خواهیم بود و گام مهمی در مسیر عدالت‌خواهی برداشته خواهد شد.

بی‌شک نخستین گام در بازنگری قانون مطبوعات تغییر نگاه جامعه به رسانه‌ها و قانون رسانه‌ای است: رسانه‌ها نباید ابزار سرکوب باشند بلکه باید بستری برای حمایت و مشارکت عمومی فراهم کنند. قانون نیز نمی‌تواند فارغ از ارزش‌های اجتماعی باشد چراکه هنجارهای جامعه از طریق قانون شکل می‌گیرد. وجود قانون یک چیز است و شایستگی آن چیز دیگر؛ یعنی صرف وجود قانون، عدالت‌محور نیست و قانون باید آمیخته با اخلاقی و عدالت باشد. از این رو قانون مطبوعات ما باید همگام با تحولات اجتماعی و ارزش‌های جامعه باشد و به جای سیاست‌های قهری، شرایط فرصت‌آفرین برای فعالیت رسانه‌ها را فراهم کند. قانون مطبوعات مطلوب باید در وهله اول امنیت قضایی روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای را تضمین کند و به آنان اطمینان دهد که برای نشر اطلاعات دقیق با طرح انتقاد مشروع با تعقیب و مجازات غیرمنصفانه مواجه نخواهند شد. حمایت از آزادی بیان در چارچوب قانون همچنین باید با احترام به تنوع آرا همراه باشد و از هر محدودیتی که مانع گردش آزاد اطلاعات می‌شود، پرهیز شود. شفافیت در فرآیند دادرسی مطبوعاتی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به نحوی که اصحاب رسانه بدانند چه رفتاری تخلف محسوب می‌شود، معیارهای رسیدگی چیست و چگونه می‌توانند حقوق خود را از راه‌های قانونی پیگیری کنند. افزون بر این، قانون مطبوعات باید با اصول اخلاقی، عدالت و حقوق بشر منطبق باشد تا مشروعیت خود را در عمل حفظ کند. یکی از شیوه‌های مؤثر تقویت مشارکت عمومی، ایجاد سازوکاری مانند هیأت منصفه مستقل برای رسیدگی به امور مطبوعاتی است. در حوزه رسانه باید از نگاه صرفاً کیفری فاصله بگیریم و بر حمایت و آزادی تمرکز کنیم. تجربه قانون جرم سیاسی نشان داده است که مجازات‌های سخت‌گیرانه نتیجه مطلوبی نداشته‌اند؛ بنابراین به جای برخوردهای کیفری شدید باید مکانیسم‌های قضازدایی و آموزش‌های جبرانی جایگزین شوند تا رسانه‌ها در چارچوبی منطقی تشویق به نقد سالم و اطلاع‌رسانی صادق شوند. مرز این حمایت زمانی باید مشخص شود که دروغ، افترا یا خدشه زدن به آرامش روانی جامعه مطرح باشد. متأسفانه قانون مطبوعات فعلی، با وجود برخورداری از برخی اصول حمایتی به دلیل عبارتهای کلی، تفسیرهای متناقض و اختیارات گسترده اعمال محدودیت، توانسته امنیت قضایی لازم را برای فعالان رسانه‌ای فراهم کند. برخی مواد این قانون به جای تشویق تنوع آرا، موجب خودسانسوری رسانه‌ها شده‌اند. صرف وجود قانون کافی نیست؛ آنچه اهمیت دارد، تطابق آن با اخلاق، عدالت و حقوق شهروندی است. یک قانون مطبوعات ایده‌آل باید شفافیت در تعریف حدود و مسئولیت‌های رسانه‌ها را تضمین کند و ضمانت اجراهای متناسب و غیرسلبی مثل آموزش، تذکر و اصلاح به جای برخوردهای کیفری شدید پیش‌بینی شود. همچنین استقلال نهادهای ناظر و دستگاه قضایی در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی باید تضمین گردد.

اگر اصلاح قانون مطبوعات بر پایه این معیارها انجام شود، نه تنها رسانه‌های آزاد و مسئول تقویت خواهند شد بلکه سرمایه اجتماعی کشور ارتقا یافته و تاب‌آوری جامعه افزایش خواهد یافت. اکنون زمان آن رسیده است که با همکاری دولت، قوه قضائیه و اصحاب رسانه قانون مطبوعات را به گونه‌ای بازنویسی کنیم که در خدمت اعتماد عمومی و حیات قانون‌مدار جامعه باشد.



محمدسجاد کاشانی

گروه سیاسی



محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در برنامه تلویزیونی «تهران، ایران، جهان» شبکه تهران به شرایط روز کشور پس از جنگ ۱۲ روزه پرداخت و تأکید کرد: اکنون زمان تصمیم‌گیری است اما نباید تصور کرد که مذاکره با تسلیم برابر است. چنین نیست. سوء برداشت بسیاری اینگونه است که طرف مقابلمان با انجام مذاکره، قدم بعدی را برای جنگ و تسلیم ایران برمی‌دارد اما من اینگونه فکر می‌کنم که ایران با دست‌پِری که دارد، می‌تواند در مذاکرات قوی ظاهر شود. نکته بسیار مهم این است که یک برنامه مشخص مصوب همه این مسائل را راهبری کند.

محسن هاشمی پیش از ورود به نخستین سؤال مجری برنامه به شرح تاریخچه‌ای پرداخت که امروز منجر به دفاع ۱۲ روزه ایران شده است و گفت: حدود سال ۸۲ بود که محمد خاتمی، رئیس‌جمهور منتخب مردم با اعلام خبر از توان فعالیت‌های هسته‌ای در کشور، خود را به عنوان یک بازیگر بین‌المللی که توان غنی‌سازی هسته‌ای دارد به جهان معرفی کرد. ۲۱ مهر ۱۳۸۲ (اکتبر ۲۰۰۳) «بیانیه تهران» بین ایران و سه کشور اروپایی (E۳) امضا شد؛ ایران اعلام کرد، پروتکل الحاقی را امضا می‌کند و به‌طور داوطلبانه همه فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری را تعلیق می‌کند. این تعلیق به‌عنوان اقدام اعتمادساز و نه تعهد حقوقی ثبت شد. پس از آنکه طرفین مذاکرات به تعهداتشان وفا نکردند، ایران در سال ۸۴ مجدداً شروع به غنی‌سازی کرد. با آغاز دوره احمدی‌نژاد و قطعنامه‌های ۹ گانه علیه ایران که کشورمان را ذیل فصل هفتم شورای امنیت نیز برده بود، نوبت به روحانی رسید تا برجام اتفاق بیفتد. همه اینها نمایانگر پیشینه یک جنگ اقتصادی است که بر سر مسائل هسته‌ای تا امروز منجر به جنگ ۱۲ روزه نیز شده است.

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران ضمن ابراز خرسندی از تغییر نگاه این سازمان به سمت دعوت از جریان‌ها و سلیقه‌های متفاوت و شنیده شدن آنها، نگاهش را به داخل مرزهای سیاست برد تا بگوید: انسجام ملی، فرزند متولد شده در دفاع مقدس ۱۲ روزه است و تمام سیاست‌گذاران و فعالان این عرصه باید از حدود و ثغورش محافظت کنند. این انسجام حق یک ملت است و ملت تنها آن ۲۰ درصد همواره طرفدار حاکمیت نیستند.

| ادامه در صفحه ۲





سال هشتم شماره ۲۰۴۲
دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه تیتیر یک

دیدگاه: یادداشت وارده

فرصت‌های از دست رفته!

سیاستگذاری‌های اشتباه باعث شده
تا هر روز دچار خسارت جدیدی شویم



نوید حسینیون
عضو شورای استان خراسان رضوی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

ماجرای توافقنامه صلح ارمنستان و آذربایجان و واگذاری کریدور زنگزور به آمریکا برای بهره‌برداری ۹۹ ساله بار دیگر مساله کریدورها و موقعیت ژئواستراتژیک ایران در داخل و خارج و کشور را مطرح و برجسته کرد. بدون شک کریدورهای بین‌المللی از نظر اقتصادی، سیاسی، ترانزیتی و حتی زیست‌محیطی اهمیت زیادی دارند چون نقش آنها فراتر از یک مسیر ساده جابه‌جایی است. اهمیت اقتصادی کریدورهای زمینی، دریایی یا ریلی در توسعه تجارت است. هزینه و زمان حمل‌ونقل کالا را کاهش می‌دهند و جریان صادرات و واردات را روان می‌کنند. باعث برتری اقتصادی می‌شوند، ایجاد اشتغال می‌کنند و فرصت‌های شغلی و پروژه‌های عمرانی بزرگی را به همراه دارد.

شهرها و کشورها را به بازارهای بزرگ‌تر متصل می‌کنند، قدرت نفوذ منطقه‌ای را افزایش می‌دهند به صورتی که کشوری که کریدورهای مهم را کنترل می‌کند، در معادلات سیاسی و اقتصادی دست بالا را دارد.

کریدور زنگزور، موضوعی استراتژیک و ژئوپلیتیکی است که در سال‌های اخیر به یکی از حساس‌ترین نقاط مناقشه در قفقاز جنوبی تبدیل شده است. این کریدور قرار است جمهوری آذربایجان را از طریق خاک ارمنستان به جمهوری خودمختار نخجوان متصل کند. این کریدور برای ایران در چند بُعد دارای اهمیت است. اولین مورد اهمیت ژئوپلیتیکی است که اتصال مستقیم آذربایجان-نخجوان-ترکیه را بدون نیاز به عبور از خاک ایران ممکن می‌سازد که موازنه قدرت منطقه‌ای را تغییر می‌دهد. ارتباط مستقیم ایران به اروپا را محدود می‌کند که باعث نفوذ ترکیه در قفقاز می‌شود. این مسیر بخشی از طرح «کریدور تورانی» برای اتصال ترکیه به آسیای مرکزی از طریق آذربایجان و دریای خزر است که نقش ایران را در ترانزیت منطقه کاهش می‌دهد. ایران فعلاً مسیر اصلی ارتباطی نخجوان با آذربایجان است که افتتاح کریدور زنگزور می‌تواند این موقعیت را تضعیف کند. پیش‌بینی می‌شود که ایجاد کریدور زنگزور با کمک آمریکا درآمد سالانه ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلاری نصیب کشورهای آمریکا، ارمنستان، آذربایجان و ترکیه کند. این کریدور به بخشی از دالان میانی ترانزیتی برای تجارت بین اروپا و چین بدل می‌شود. احداث این کریدور باعث تضعیف کنترل روسیه و ایران بر قفقاز میانی می‌شود.

موقعیت جغرافیایی از دیرباز، مزیت استراتژیک ایران بوده است. ایران از نظر جغرافیایی یک موقعیت استراتژیک کم‌نظیر بین‌قاره‌ای دارد که هم از نظر امنیتی - سیاسی و هم از نظر اقتصادی - ترانزیتی اهمیت بالایی دارد. قرار گرفتن در میانه مسیر تاریخی جاده ابریشم می‌تواند، کریدورهای شرقی - غربی و شمالی - جنوبی را به هم متصل کند. دسترسی به بازارهای وسیع، دسترسی به آب‌های آزاد از طریق تنگه هرمز در جنوب که یکی از شریان‌های اصلی حمل‌ونقل انرژی جهان است و دسترسی به دریای خزر امکان اتصال به کشورهای حاشیه خزر و از آنجا به روسیه و اروپا از طریق کریدور شمال - جنوب (INSTC) موقعیت امکان ایجاد شبکه‌های متنوع حمل‌ونقل و تجارت را فراهم می‌کند. این موقعیت باعث می‌شود که ایران در صورت داشتن زیرساخت، روابط سیاسی پایدار و قوانین شفاف، بتواند به هاب ترانزیت و تجارت منطقه تبدیل شود.

اما ما زنگزور و موقعیت خود در کریدورها را یک ششه و به واسطه ترامپ از دست ندادیم، سال‌هاست که متخصصین و کارشناسان این روزها را هشدار داده بودند، سال‌هاست که ما به واسطه ساختارهای اشتباه و غلط از میانه کریدوری استراتژیکی که از ایران می‌گذشته، حذف شدیم و کریدورهای جایگزین ایران را دور زده‌اند. تحریم‌ها و به روز نشدن زیرساخت‌ها عملاً نقش ایران را در کریدورها کم‌رنگ کرده است. بروکراسی پیچیده گمرکی مانند فرآیندهای طولانی ترخیص و تعدد فرم‌ها و مجوزها، نبود پنجره واحد تجارت خارجی، نوسان در تعرفه‌های واردات/صادرات و نبود قراردادهای پایدار بین‌المللی، مشکل توافقات ترانزیتی با کشورهای همسایه، نبود یا کمبود موافقت‌نامه‌های دو یا چند جانبه برای ترانزیت آسان و بدون توقف. مشکلات لجستیکی و زیرساختی از جمله ضعف شبکه ریلی و جاده‌ای یکپارچه همچنین کمبود مراکز لجستیکی مدرن از انبارهای هوشمند، سیستم‌های رهگیری زنده (Real-time tracking) و امکانات Cross-dock- ing و فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل از جمله کامیون‌ها و واگن‌های قدیمی و مصرف سوخت بالا و سرعت پایین و هزینه حمل بالا و مشکلات بیمه‌ای و مالی و مشکل اعتبار اسنادی و دلایل فنی و تخصصی دیگر همچنین سیاستگذاری اشتباه باعث شده که نتوانیم از پتانسیل جغرافیایی فوق‌العاده‌ای برای ایجاد و یا حفظ کریدورهای بین‌المللی بهره ببریم. ما زمانی کریدورها را از دست دادیم که نتوانستیم، بندر مهم چابهار را به عنوان یک موقعیت مهم تثبیت کنیم. متأسفانه ساختارهای کند و سیاستگذاری‌های اشتباه و عدم درک شرایط منطقه‌ای باعث شده تا هر روز دچار خسارت جدیدی شویم و کشورهای همسایه با دور زدن ایران، بتوانند نقش جدید و پررنگی برای خود در مناسبات بین‌المللی احیا کنند.

زمان تصمیم‌گیری است

این دسته از تخریب‌ها بدهد.

معادله چندمجهولی رادیکال‌ها

هاشمی‌رفسنجانی در پاسخ به این سوال که آیا می‌توانیم، تضمین‌هایی که مورد نظر وزیر امور خارجه کشورمان است را از طرف‌های مذاکره بگیریم، گفت: به نظر همه چیز به همان برنامه مدونی برمی‌گردد که به آن اشاره شد. شرایط حال حاضر کشورمان شبیه یک معادله با چند مجهول است. در چنین شرایطی برای حل مسائل باید واقع‌بین باشیم به عبارتی دیگر کشور باید مواظب باشد، وارد آرزوهای دست‌نیافتنی و برداشت‌ها و باورهای اشتباه از شرایط نشود تا توسعه ساختارها و معیشت مردم را دچار آسیب نکند. اگر با چنین

نگاهی مذاکرات را ببینیم، مساله قابل حل است.

به عنوان مثال همان‌طور که در این گفت‌وگو مطرح شد، عکس‌العمل میهن‌سالارانه مردم در شرایط جنگ نه تنها سیاستمداران سایر کشورها را متعجب کرد بلکه حاکمیت و سیاستمداران خودمان را نیز معطوف و متوجه خود کرده بود. این مساله در کنار قوای موشکی که ۴۵ سال برای داشتن و ارتقاء آن هزینه پرداخته‌ایم و زحمت کشیده‌ایم، نقطه قوت ایران بود. اما مساله تفاوت تکنولوژی، نقطه‌ضعفی است که باید با نگاه واقع‌بینانه آن را رفع کرد. هک شدن سیستم‌های رادار و پدافند، جاسوسی از طریق فضای سایبری، یکی از این مسائل است. اینکه به خاطر کامل نبودن اطلاعات امنیتی کشور به نوعی غافلگیر شدیم از نقاط ضعفمان برشمرده می‌شود که البته در این ۱۲ روز توانستیم تا حدی با سرعت عمل آن را جبران کنیم.

فرصت گذر از بی‌تصمیمی

کارشناس مجری برنامه با طرح انسجام ملی شکل گرفته این سوال را مطرح می‌کند که: احزاب و گروه‌های مختلف مردمی با سلیقه‌هایی متفاوت در این مدت با یکدیگر همکاری کردند. به نظر شما این در کنار هم آمدن جامعه به چه علت بود؟

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی پاسخ می‌دهد: «بی‌تصمیمی همه را نگران کرده است. آمده‌ایم تا فرصت از دست نرفته و هنوز جای راه‌حل‌هایی مثل مذاکره، تعامل و پیشبرد اهداف وجود دارد، کشور را به جلو ببریم». یک بار دیگر مردم در انتخابات به سیاستمداران فرصت دادند تا ایران را نجات دهند؛ حالا که این اجازه به کشور داده شده است که تصمیم سخت و بزرگی بگیرد درصورتی که همه دستگاه‌ها درست تصمیم نگیرند، کشور به مرحله بی‌تصمیمی خواهد رسید و بی‌تصمیمی، جامعه را نسبت به حاکمیت سرد خواهد کرد.



دوقطبی‌سازی، سایه‌ای روی سلیقه‌ها

اکنون که صحبت از تصمیم و اشتراک احزاب مطرح شده، مجری می‌پرسد: «چه کسانی کشور را به دوقطبی می‌کشاند؟» هاشمی نیز به عنوان نماینده جریان‌ی که معتبر دانستن تنوع سلیقه‌ها در جامعه را اساس خود می‌داند با اشاره به تکرر آرا می‌گوید: «آنچه آسیب‌زاست، حکومت سلیقه اقلیت بر اکثریت است.»، اینکه عده کمی با رانت بتوانند، سلیقه‌شان را بر اکثریت قالب کنند و با فشار بر دولت مانع تصمیم‌گیری شوند، مسیر انسجام ملی را مختل می‌کند. به عنوان مثال، عدم وجود تکرر آرا در رسانه ملی، آن را از اعتبار ملی خود انداخته است.

آن بخش دیده نشده

اکنون به بخشی از گفت‌وگوی هاشمی با کارشناس مجری رسانه ملی رسیده‌ایم که برشی از آن، همان‌طور که در مقدمه به آن اشاره شده، بسیار برجسته شده است: برشی که اتفاقاً بخش کوچکی از مهم‌ترین مساله مطرح شده در این فصل مباحثه‌شان نیز بوده است. صورت سوالی که مجری مطرح می‌کند از نقش سایر دستگاه‌ها برای حفظ انسجام ملی می‌پرسد: «نقش دولت، سیاستون، حاکمیت و قوا در حفظ انسجام ملی چیست؟»

پاسخ مهندس هاشمی‌رفسنجانی این است که: «هر کس وظایف مشخصی در این امر دارد، نگاه کاسب‌کارانه به بحث انسجام ملی آن را از پایدار بودن خارج می‌کند.» مجبورم مجدداً تکرار کنم که رسانه ملی با بها دادن به آرای مختلف از خودسانسوری جلوگیری کند.

۱۹ مردادماه، رئیس‌جمهور پزشکیان در جمع مدیران رسانه نگاه واقع‌بینانه و نقد خود را نسبت به جریان‌های تندرو در مورد مذاکرات بیان کرد اما رئیس‌جمهور با بیان اینکه باید از جنگ با مذاکره جلوگیری کرد، مورد انتقاد شدید رسانه‌های مخالف دولت قرار گرفت. تا جایی که کیهان نوشت: «دیدگاه پزشکیان بوی تسلیم در برابر آمریکا می‌دهد» و غضنفری، جانشین معاون سیاسی سپاه پاسداران نیز نوشت: «بهتر است پزشکیان از روی متن بخوانند.» تسنیم نیز صحبت‌های رئیس‌جمهور را نشان از ضعف و استیصال دانست.

با نگاهی بر این انتقادات تند و جانبدارانه، محسن هاشمی نیز در این برنامه ادامه می‌دهد که: «رسانه‌های ملی هستند که می‌خواهند با نشان دادن یک طیف جریان‌ی در اقلیت به انسجام ملی آسیب بزنند. نباید به مردم این حس القا شود که دولت منتخب اجازه انجام فعالیت را پیدا نمی‌کند.» پیش از این، انتخابات‌هایی داشتیم که ۷۰ درصد از مردم در آن شرکت می‌کردند اما امروز احساس ابزار بودن دارند. اما این اتفاق منجر به بازدارندگی مهمی شد که دشمن پس از آن تقاضای آتش‌بس کرد و آن هم حضور مردم بود.

هاشمی تأکید کرد: وقتی می‌بینیم که چنین فضایی پیش آمده باید واقع‌بینانه نقش مردم را ببینیم و مشکلات مردم را به هر صورت حل کنیم. ما نیازمند فرصت جدی هستیم که بتوانیم خودمان را بازسازی تکنولوژیک کنیم، این فرصت بازسازی را مذاکره به ما می‌دهد تا دیگر از غافل‌گیری جلوگیری کنیم و توان دفاعی‌مان را افزایش بدهیم.

اسنپ یک یعنی اجازه حمله مستقیم نظامی به ایران

مجری سوال دیگری را مطرح می‌کند: دیدگاه حزب شما و خودتان درمورد اسنپ یک و اتفاقات اینچنینی چیست؟ نماینده حزب کارگزاران سازندگی در این برنامه با اشاره به صحبت‌های اخیر دکتر سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان اظهار کرد: صحبت‌های آقای عراقچی ما را یاد اظهارنظر آقای احمدی‌نژاد از قطعنامه‌ها انداخت که می‌گفت اینها کاغذپاره هستند. ایشان می‌گویند خیلی هم مهم نیست با اینکه ما ممکن است مجدد ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار بگیریم. این فصل به کشورها اجازه حمله نظامی مستقل به ایران را بدون لزوم ورود شورای امنیت می‌دهد. یعنی دیگر کشورها می‌توانند به خاطر این شناسایی از ایران، علی‌همان ائتلاف نظامی تشکیل بدهند، شبیه همان اتفاقی که برای عراق افتاد. لذا به نظر من این نوع خودسانسوری برای کشور اصلاً مثبت نیست. مردم باید بدانند چه چیزی در انتظارشان است و انسجام ملی‌شان با آگاهی تثبیت شود. ساده‌انگاری باعث می‌شود که ما نتوانیم شکاف‌های پیش آمده را برطرف کنیم.

موج جدید کوچ و کشتار

اجرای طرح اشغال غزه و تسریع عملیات نظامی توسط ارتش اسرائیل چه پیامدی دارد؟

گروه بین‌الملل: ارتش اسرائیل در راستای آغاز عملیات نظامی در شهر غزه اعلام کرد که از یکشنبه (۱۷ آگوست) ورود تجهیزات اسکان برای انتقال ساکنان این شهر به جنوب این باریکه را شروع خواهد کرد. او اعلام کرد که اسرائیل وارد کردن چادرها و تجهیزات اسکان به نوار غزه را با هدف انتقال ساکنان شهر غزه از مناطق جنگی به جنوب این باریکه را کلید زده است. بر اساس اعلام رسانه‌ها، ورود این تجهیزات از گذرگاه کرم ابوسالم پس از بازرسی و تفتیش به وسیله سازمان ملل و نهادهای امدادرسان انجام خواهد شد و این در حالی است که کابینه نتانیاهو چند روز پیش به ارتش اسرائیل دستور داد تا آماده حمله به شهر غزه و اشغال آن شود؛ شهری که برآورد می‌شود حدود یک میلیون غیرنظامی فلسطینی همچنان در آن سکونت دارند.

در این مسیر حماس نیز به این اقدام واکنش نشان داد و اعلام کرد که تصمیم رئیس ستاد ارتش اسرائیل برای تصویب طرح‌های اشغال غزه و تسریع عملیات نظامی در آنجا طی روز یکشنبه به بعد از آن، اعلام آغاز موج جدیدی از کشتار وحشیانه و عملیات کوچاندن صدها هزار تن از ساکنان شهر

غزه و آوارگان در آنجاست. طبق گزارش خبرگزاری فلسطینی شهاب، حماس همچنین گفته است که این اقدامات مبنی بر جنایت جنگی بزرگ در شهر غزه، تصویر واضح‌تری از زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی و پافشاری اسرائیل بر ادامه جنگ نسل‌کشی با حمایت آمریکا و در سایه سکوت و ناتوانی شرم‌آور بین‌المللی است. حماس همچنین اعلام کرده که صحبت درباره ورود چادرهایی به جنوب نوار غزه تحت عناوین اقدامات بشردوستانه، فریب آشکاری است که هدف از آن سرپوش گذاشتن بر جنایت اسرائیل است؛ آن هم در زمانی که سازمان ملل مخالفت خود را با اقدامات اسرائیل در این راستا به دلیل زیر پا گذاشتن معیارهای بشردوستانه اعلام کرده است؛ چراکه اسرائیل از ابزارهای فشار انسانی بر غیرنظامیان برای تحقق اهداف سیاسی و نظامی استفاده می‌کند.

یک ستاریو با دو هدف

نکته بسیار مهم این است که آنچه در غزه رخ می‌دهد از کرانه باختری جدا نیست؛ چراکه یورش‌های روزانه و حملات مسلحانه شهرک‌نشینان و سوزاندن املاک فلسطینی‌ها ادامه

اروپا

صف‌آرایی اروپایی

رهبران اتحادیه اروپا برای حضور در نشست ترامپ و زلنسکی عازم واشنگتن شدند

فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل



دیدار دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین در آلاسکا همانگونه که انتظار می‌رفت به صورت علنی باعث شد تا اتحادیه اروپا و اوکراین در مورد جنگ میان مسکو و کیف با یک نگرانی عمیق رویه‌رو شوند و این موضوع حالا به جایی رسیده که اساساً اروپایی‌ها از این وضعیت احساس ترس می‌کنند؛ چراکه به زعم آنها ترامپ و پوتین ممکن است که در پشت صحنه درباره بدنه بستان با محوریت اوکراین مسائلی را مطرح کرده باشند که منافع قاره سبز به خطر بیفتد. در این راستا مقرر شد تا دیداری میان روسای جمهور آمریکا و اوکراین برگزار شود و طرفین درباره چگونگی ختم جنگ همچنین شروط روس‌ها به گفت‌وگو بنشینند.

در همین راستا یک مقام کاخ سفید گفت که چندین رهبر اروپایی به نشست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین در دفتر بیضی شکل کاخ‌سفید در روز دوشنبه دعوت شده‌اند. سی‌ان‌ان با استناد به منابع سیاسی خود اعلام کرده که جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده که پیش از این با زلنسکی اختلاف نظر داشت هم در نشست امروز (دوشنبه) شرکت خواهد کرد. بر اساس اخبار منتشر شده از سوی رسانه‌های اروپایی و آمریکایی قرار است جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه، فریدریش مرتس صدراعظم آلمان و اورزولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا در این نشست شرکت کنند. پولتیکو نیز با استناد به سه منبع اعلام کرد، برنامه‌هایی برای اعزام حداقل یکی از طرفین گفت‌وگوی مورد علاقه ترامپ که احتمالاً الکساندر استاب است به همراه زلنسکی در سفر دوشنبه او به واشنگتن برای دیدار با ترامپ در حال انجام است.

به گفته منابع پولتیکو، استاب می‌تواند از درگیری احتمالی بین ترامپ و زلنسکی جلوگیری کند و در عین حال رهبر آمریکا را متقاعد کند که اروپا را در هرگونه مذاکره بعدی در مورد اوکراین دخیل کند. این در حالی است که اخیراً خبرگزاری فرانسه گزارش داد که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه به همراه کیری استارمر نخست‌وزیر بریتانیا و فریدریش مرتس صدراعظم آلمان روز یکشنبه از طریق ارتباط ویدیویی، جلسه دیگری از «اتلاف مشتاقان» حامی اوکراین را برگزار خواهند کرد و در همان موقع، زلنسکی سفر برنامه‌ریزی شده



سناریوهای اسرائیل حمایت شود. این وضعیت در حالی رخ می‌دهد که روز گذشته (یکشنبه) ایال زامیر، رئیس ستاد ارتش اسرائیل در سخنانی از تصویب قریب‌الوقوع طرح مرحله بعدی جنگ علیه غزه خبر داد و مدعی شد که عملیات اراپه‌های گدعون به اهداف خود دست یافت و حماس دیگر توانایی‌های گذشته را در اختیار ندارد.

او همچنین تأکید کرد که نبرد جاری بخشی از برنامه‌ای بلندمدت و طراحی شده است که کل محور را هدف قرار می‌دهد. زامیر مدعی شده که به زودی وارد مرحله بعدی عملیات می‌شویم و ضربات عمیق‌تری را علیه حماس در شهر غزه وارد خواهیم کرد.

درد و این نشان‌دهنده یکی بودن طرح اسرائیل برای اخراج فلسطینی‌ها از سرزمین خود و سلب حقوق آنها و یهودی‌سازی مقدسات اسلامی و مسیحی است.

بسیاری از تحلیلگران حوزه منطقه معتقدند که اقدامات و تلاش‌های بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و کابینه وی برای کوچاندن فلسطینی‌ها و بیرون کردن آنها از سرزمین خود همراه با اعلام صریح قصد واقعی اسرائیل برای ایجاد «اسرائیل بزرگ» است؛ طرحی که علیه اردن، مصر، سوریه، لبنان، عراق و ... قلمداد می‌شود و اعتقاد دارند که این طرح خطرناک ایجاب می‌کند که از مردم و مقاومت فلسطین به عنوان خط دفاعی اول از کشورهای عربی و اسلامی در برابر

خاورمیانه

نگرانی قبرس

چرا نیکوزیا از تقابل ایران و اسرائیل هراس دارد؟

نیکوس کریستودولیدس، رئیس‌جمهور قبرس در اظهاراتی نسبت به درگیری میان ایران و اسرائیل ابراز نگرانی کرد و هشدار داد که رویارویی میان این دو می‌تواند به قبرس هم برسد. او که با یک پادکست بریتانیایی گفت‌وگو می‌کرد با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس غرب علیه ماهیت برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد: اگر ایران به قابلیت‌های هسته‌ای دست یابد، کشور ما نیز در خطر است. ما ۳۰ دقیقه با اسرائیل فاصله داریم.

رئیس‌جمهور قبرس در ادامه، اسرائیل را نزدیک‌ترین متحد کشورش در منطقه توصیف و بر اهمیت روابط دو جانبه با تل‌آویو در بحبوحه بی‌ثباتی فزاینده در غرب آسیا تأکید کرد. به نوشته روزنامه جرورالزم پست، وی همچنین به دیدارهای اخیر خود با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و محمود عباس، رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین اشاره و خاطر نشان کرد که قبرس از راه‌حل دو کشوری حمایت می‌کند. او مدعی شد که قبرس در تلاش است تا از طریق بندر اشدود، کمک‌های بشردوستانه را به غزه برساند. رئیس‌جمهور قبرس در بخش دیگری از صحبت‌های خود از جامعه بین‌المللی و کشورهای غربی انتقاد و آنها را به داشتن استانداردهای دوگانه متهم کرد. او گفت: هر زمان که می‌خواهیم سلاح نظامی بفروشیم، این کشورها را به رسمیت می‌شناسیم اما در عین حال، اولین کسانی هستیم که از آنها انتقاد می‌کنیم. چرا همین انتقاد را در مورد آنچه ترکیه در قبرس انجام می‌دهد، اعمال نمی‌کنیم؟

کریستودولیدس استدلال کرد که «قوانین بین‌المللی بر اساس قدرت دولتی که آن را تفسیر می‌کند به کار گرفته می‌شوند.» او همچنین بی‌ثباتی منطقه را به شکست‌های جهانی مرتبط دانست و افزود که شکست‌های منطقه به دلیل جامعه بین‌المللی است. به دلیل بهار عربی که به زمستان عربی تبدیل شد.



پیشروی در خطوط مقدم فعلی (ثابت نگه داشتن وضعیت میدان نبرد) در سایر نقاط خبر داده که این به معنای انجام جنگ در خطوط مقدم روسیه و اوکراین است و نه آتش‌بس یا چیزی شبیه به ختم جنگ.دونباس پیش از جنگ حدود ۶.۵ میلیون نفر جمعیت داشت و شامل مناطق لوهانسک و دوتسک می‌شود که حالا به یک منطقه به شدت با اهمیت برای روسیه تبدیل شده است. ترامپ پس از دیدار روز جمعه خود با پوتین در آلاسکا به متحدان اروپایی‌اش گفت که رئیس‌جمهور روسیه بار دیگر تأکید کرده که خواهان مناطق کلیدی لوهانسک و دوتسک است اما به نظر می‌رسد که او از احتمال پایان دادن به بن‌بست در رابطه با زاپوریژیا و خرسون به همراه توقف درگیری‌ها در امتداد خطوط مقدم استقبال می‌کند. این در حالی است که «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین پیش از این، ایده واگذاری منطقه دونباس به روسیه را به‌طور جدی رد کرده بود. از سوی دیگر باید توجه کرد که زلنسکی عقب‌نشینی از ۳۰ درصد باقی‌مانده در دوتسک که اوکراین هنوز کنترل آن را در دست دارد، خودداری کرده است. او گفته است که انجام این کار خلاف قانون اساسی خواهد بود و این منطقه می‌تواند به عنوان پایگاهی برای حملات بعدی روسیه مورد استفاده قرار گیرد.

با این تفسیر باید منتظر بود و دید که قرار است، اروپایی‌ها با آرایش‌های انجام داده‌اند چگونه می‌خواهند منافع خود را تامین کنند.

گفت‌وگو

پشت صحنه مرد نویسنده

گفت‌وگوی **لی‌لی گلستان** با **محمود دولت‌آبادی** و خانواده‌اش در آستانه انتشار



لی‌لی گلستان، مترجم و گالری‌دار با محمود دولت‌آبادی و خانواده‌اش به گفت‌وگو نشست و ماحصلش کتاب «در پس آینه» شده که می‌گوید از آن خیلی بهره برده و از کارش راضی است. این کتاب که در مرحله گرفتن مجوز نشر از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، قرار است در نشر چشمه منتشر شود. لی‌لی گلستان درباره این کتاب گفت‌وویی با ایسنا داشته که در ادامه می‌خوانید:

کتاب تازه‌ای به چاپ سپرده‌اید که گفت‌وگو با محمود دولت‌آبادی است. چه موضوعی در کار و شخصیت دولت‌آبادی برایتان جذاب بود که تصمیم گرفتید، سراغ این چهره ادبی بروید و با او و خانواده‌اش مصاحبه کنید؟ اول از همه تشر را و محتوای داستان‌هایش را دوست داشتم و وقتی با خانواده آشنا شدم و بچه‌های‌ام با هم دوست شدند و بیشتر شناخت‌مشان و از شخصیت و رک و راست بودن و زحمتکش بودنشان خوشم آمد. خوب خوانده و خوب از خواننده‌هایش استفاده کرده است. هیچ کسی مثل

او بلد نیست، حس شخصیت‌هایش را به خواننده القا کند. تشر که بی‌نظیر است. شخصیت‌پردازی‌اش و دیالوگ‌هایش فوق‌العاده‌اند.

آقای دولت‌آبادی پیش‌تر مصاحبه‌ای با امیرحسین چهلتن با عنوان «ما نیز مردمی هستیم» داشت که کتاب مفصلی است. کتاب شما چه تفاوت‌هایی با آن کتاب دارد، یا بهتر است بگویم، شما با چه نگاهی سراغ دولت‌آبادی رفتید؟ سال‌ها پیش قبل از اینکه با احمد محمود (در کتاب «حکایت حال») گفت‌وگو کنم، به ایشان پیشنهاد گفت‌وگو داده بودم و ایشان

گفتند همین روزها کتاب گفت‌وگویم با چهلتن منتشر می‌شود! که من حسابی جا خوردم. این تمایل گفت‌وگو با ایشان با من ماند تا سال‌ها بعد که دوباره پیشنهاد کردم و این بار پذیرفتند.

شما گفته‌اید، پشت پرده سینما را دیده‌اید و پشت پرده زندگی نویسنده نیز برایتان جالب است. ما معمولاً خیلی کم درباره زندگی نویسنده‌ها و پشت‌پرده‌هایشان می‌دانیم و این زندگی شخصی موضوع جالبی است. در کتاب شما چه اطلاعاتی از این پشت‌پرده‌ها به مخاطبان داده می‌شود و سهم ناگفته‌ها چقدر است؟

به ایشان گفتم من همیشه پشت صحنه سینما و تئاتر را دوست داشتم و پشت صحنه سینما را به وساطت پدر (ابراهیم گلستان) و شوهر (نعمت حقیقی) و پسر منی (حقیقی) زیاد دیده‌ام. پشت صحنه پدر نویسنده‌ام را هم سالیان سال زندگی کرده‌ام. دلم می‌خواهد دیده‌های آذر خانم همسرتان و بچه‌ها را هم در کتاب بیاورم. در ضمن گفتم، سوالات من در مورد فنون نوشتن و تئوری‌های نویسندگی و از این حرف‌ها نیست. سؤال‌هایم بیشتر حسی و دلی است که همین‌طور هم شد. گفت‌وگو در پنج شش جلسه دو سه ساعته انجام شد. ضبط کردم و حرف‌ها را پیاده کردم و هر بار گفت‌وگوی دفعه قبل را می‌بردم که

و برایش کنند که تقریباً دست به ترکیبش زدند. مگر این که نکته‌ای را فراموش کرده بودند، بگویند که اضافه کردند و بعد با همسر و فرزندان درباره پشت صحنه یک شوهر و یک پدر نویسنده گفت‌وگو کردم. خوبی هر پنج گفت‌وگو در رک و راست بودن، شفاف بودن و بی‌پرده حرف زدن هر پنج نفر است و همین، این کتاب را بسیار خواندنی کرده. همه صمیمانه و راحت و بی‌محافظه کاری‌های معمول حرف دلشان را زدند. خیلی از کاری که انجام شده، راضی‌ام. می‌پرسید سهم ناگفته‌ها در این کتاب؟؟ همه‌اش ناگفته‌ها است!!!

آیا در این کتاب به ارتباط محمود دولت‌آبادی و ابراهیم گلستان نیز نزدیک شده‌اید و از او درباره نگاهش و خاطراتش با این نویسنده پرسیده‌اید؟ نه درباره ارتباط دولت‌آبادی و پدرم سؤالی از ایشان نکرده‌ام ولی می‌دانم هر دو همدیگر را دوست داشتند و قبول داشتند و برای همدیگر احترام قائل بودند.

مصاحبه با همسر و فرزندان محمود دولت‌آبادی چقدر می‌تواند ما را به شناخت شخصیت این نویسنده نزدیک کند و آیا شما را به تصویری که از دولت‌آبادی در ذهن داشتید نزدیک‌تر کرد یا دورتر؟

گفت‌وگو با همسر و فرزندان، خیلی به من کمک کرد تا شناخت بیشتری از این نویسنده داشته باشم. حرف‌هایی شنیدم که فکرش را نمی‌کردم و همین حرف‌ها خیلی کمک کردند به نزدیک‌تر شدن به شخصیت این نویسنده و احترام بیشتر به او. به قول یکی از دوستان مشترک:

«چه شود!!!».

حکایت احمد محمود

سه دهه پیش گفت‌وگوی لی‌لی گلستان با احمد عطا معروف به احمد محمود، چند سال پیش در کتاب «حکایت دل» توسط انتشارات معین منتشر شد. چاپ نخست «حکایت دل» سال ۱۳۷۴ منتشر شد و پس از آن چندین بار تجدید چاپ شده است. لی‌لی گلستان در مقدمه این کتاب گفته است با خواندن «همسایه‌ها» احمد محمود را شناختم» و در ادامه توضیح می‌دهد، احمد محمود درخواست گفت‌وگوی او را رد می‌کند و می‌گوید تا به حال با کسی گفت‌وگو و مصاحبه نکرده است و آمادگی ندارد. گلستان به گفت‌وگو اصرار نمی‌کند چون جواب احمد محمود صریح و قاطع بود مثل نوشته‌هایش، فقط از او می‌خواهد در این باره فکر کند. ۳ ماه بعد از این ماجرا وقتی لی‌لی گلستان به گفته خودش دست از این خیال شسته بود، محمود به او خبر داد که آمادگی صحبت کردن را دارد. در کتاب «حکایت حال» با نگاه احمد محمود آشنا می‌شویم، نگاهش به واقعیت، نگاهش به خیال و نگاهش به آدم‌هایی که در این داستان‌ها ساخته می‌شوند. هم‌چنین نظر او درباره آثار مهم ادبیات ایران و جهان نیز در این کتاب آمده است.

معلم و متفکر توسعه

بزرگ‌داشت **امیرحسین جهاننگلو** در شب‌های بخارا

می‌گریخت. امیر و دیگر استعدادگرایان نسلش نمی‌خواستند همه چیز را به سیاست فروبکاهند و سیاست را در چارچوب‌های ایدئولوژیک محدود کنند. به همین دلیل معلمی برای او درجه آزادی بود. او ارتباط با دانشجویان را اصل می‌دانست، نه صرفاً نوشتن فرمول پر تخته سیاه. اقتصاد درس می‌داد اما اقتصاددان خوب را کسی می‌دانست که فلسفه، تاریخ، ادبیات، جامعه و هنر را بشناسد. دانشجویانش را به رمان‌خوانی تشویق می‌کرد؛ زیرا معتقد بود رمان نزدیک‌ترین چیز به زندگی است.»

امیر حقیقت‌جوان، یکی از شاگردان و نزدیکان امیرحسین جهاننگلو به یادآوری خاطراتی از سال‌های آشنایی و شاگردی نزد این استاد پرداخت و در ادامه یکی از نزدیکان جهاننگلو به بازگویی تجربه‌های شخصی و دیدگاه‌های استاد در دوران بیماری پرداخت.

معلم توسعه

در ادامه این مراسم فرشاد مومنی سخنرانی کرد و گفت: «این غم بزرگی است که مراسم بزرگداشت او پس از نزدیک به نیم قرن از کوچ او برگزار می‌شود. این خود جای تأسف دارد و در عین حال واکنشی چرایی چنین تأخیری برای آینده ایران ضرورتی انکارناپذیر است. امیرحسین جهاننگلو در مقام یک متفکر توسعه، محور را قدرت اندیشه‌ورزی می‌دانست و همواره ما را دعوت می‌کرد به بنیادی اندیشیدن. این نوع تفکر، مرزبندی داشت با سطحی‌نگری و تک‌بعدی‌نگری مسلط در ساختار توسعه‌نیافته و رانتی کشور. بنیاد اندیشیدن نزد جهاننگلو معانی چندگانه داشت: یکی میان‌رشته‌ای فهمیدن مسائل بود، دیگری اعتنا به جایگاه بحث در تاریخ اندیشه بشری و از همه مهم‌تر توجه به بنیان‌های فلسفی هر تفکر.» مومنی سپس به اوصاف شخصی امیرحسین جهاننگلو اشاره کرد و گفت: «قدرت خطابه و بلاغت او دانشجویان را مسحور می‌کرد. جبروت و صلابت داشت، اما به همان اندازه، بلکه بیشتر، دلی نازک و سرشار از عاطفه. نزدیک که می‌شدی، احساسات لطیف انسانی‌اش را می‌دید. سلوک او با شاگردان، سرشار از حریت بود؛ و تفکر انتقادی را پیش از همه نسبت به خود اعمال می‌کرد. یک بار در جلسات خصوصی ۷ تا ۹، که خود استاد آن را «جنگ برای رسیدن به صلح» می‌نامید، گفت دیشب برای تفتن چند سطر از کتاب استالین خواندم اما از شدت شرم و انزجاری که از گذشته‌ام پیدا کردم، به خودم فحش‌های رکیک دادم و دیگر

یادداشت: سینیمای ایران

یک فرصت تاریخی!

نگاهی به گزینه‌های احتمالی ایران جهت معرفی به **اسکار**

«برادران کارامازوف» شاهکار فنودور داستایوفسکی، موفق می‌شود در زمانی بیش از ۱۹۰ دقیقه، مخاطب را جذب و بر روی صندلی سسینما میخکوب کند. اکتای برهانی پس از فیلم «پل خواب» که آن هم اقتباسی ایرانی از «جنایت و مکافات» داستایوفسکی بود، با نویسنده‌ی و کارگردانی «پیر پسر» به چنان قله‌ای دست یافته که نامش را در تاریخ سسینمای ایران جاودانه خواهد ساخت. فیلمی که یقیناً مهم‌ترین و شایسته‌ترین فیلم سسینمای ایران جهت معرفی به آکادمی است. به خصوص آنکه جایزه بهترین فیلم جشنواره‌های روتردام، گالوی ایرلند و لندن بریزر را تصاحب کرده و حسن پورشیرازی برای بازی خیره‌کننده‌اش



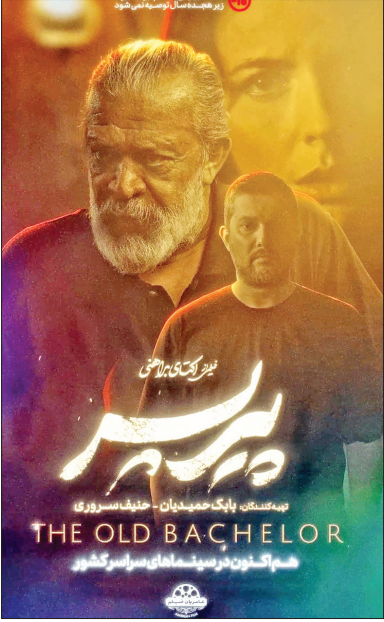
فرهاد خالدینیک

منتقد

آکادمی علوم و هنرهای سینما، مهلت ارسال آثار برای بخش فیلم‌های سینیمایی بین‌المللی را تا اول ماه اکتبر (نهم مهر ماه) تعیین کرده و از حالا شمارش معکوس برای اعلام نام نماینده سینیمای ایران جهت حضور در نود و هشتمین دوره مراسم اسکار آغاز شده است. مراسمی که طبق معمول در روزهای پایانی زمستان در سالن «دالی‌تیه‌تر» شهر لس‌آنجلس برگزار می‌شود و نگاه سینمادوستان سراسر جهان را به سوی خویش جلب خواهد کرد. در چنین شرایطی کمیته انتخاب نماینده سینیمای ایران برای مراسم اسکار نیز به تازگی تشکیل شده و نمایندگان خانه سینما و بخش دولتی برای عضویت در این کمیته انتخاب شده‌اند. درحالی که گفته می‌شود، نمایندگان خانه سینما در این کمیته در اکثریت هستند، انتظار می‌رود این بار نماینده شایسته‌ای از سوی این کمیته معرفی شده تا شاید پس از سال‌ها، شاهد حضوری فیلمی از سینیمای ایران در جمع پنج فیلم برگزیده اسکار بهترین فیلم بین‌المللی (بهترین فیلم خارجی زبان) باشیم. در این یادداشت قصد داریم، نگاهی کوتاه بیندازیم به سه فیلمی که گفته می‌شود از بیشترین شانس جهت معرفی به آکادمی علوم و هنرهای سینما برخوردار هستند:

پیر پسر (اکتای برهانی):

«پیر پسر» از همان شب اکرانش در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر، دل منتقدان و مخاطبان جدی سسینمای ایران را ربود سپس با اکران عمومی‌اش، تمجید و تحسین بسیاری را برانگیخت. فیلمی متفاوت با جریان اصلی سینیمای اجتماعی ایران که قصه‌اش به مرزهای ایران محدود نمی‌شود و می‌تواند برای هر مخاطبی در هر کجای این جهان، جذاب و تأثیرگذار باشد. فیلمی که با اقتباس از رمان قطور





گزارش: سینمای ایران

استقبال ۳/۵ میلیون نفر از بلیت نیم‌بها

تماشاگران ترجیح می‌دهند سه‌شنبه‌ها به سینما بروند

حاضر در سبد اکران نشسته‌اند.

در فروردین ماه، همزمان با نوروز و آغاز اکران‌های تازه، اجرای طرح فروش بلیت نیم‌بها در روز سه‌شنبه باعث شد تا در مجموع و در روزهای پنجم، دوازدهم، نوزدهم و بیست‌وششم فروردین ماه، بیش از ۶۳۰ هزار نفر به تماشای فیلم‌های روز سینمای ایران بنشینند. اوج این استقبال در ۲۶ فروردین ماه رقم خورد. روزی که ۱۹۱ هزار و ۸۲۴ نفر به سینما رفتند و گیشه‌ها را گرم کردند.

در طول پنج روز سه‌شنبه حاضر در اردیبهشت ماه، سینماهای سراسر کشور پذیرای بیش از ۹۰۰ هزار مخاطب بودند. آماری که نشان می‌دهد اجرای طرح فروش بلیت نیم‌بها در این روز، نقش مهمی در جذب مخاطبان به سالن‌های سینما داشته است. بیشترین میزان استقبال مخاطبان در دومین ماه سال نیز در تاریخ دوم اردیبهشت‌ماه و با ثبت ۱۹۵ هزار و ۵۴۶ نفر مخاطب رقم خورده است. در خرداد ماه، همزمانی برخی روزها با مناسبت‌های ملی و مذهبی همچنین وقوع جنگ در نیمه دوم این ماه، باعث کاهش نسبی تعداد مخاطبان شد اما همچنان بیش از ۵۰۰ هزار نفر در سومین ماه سال به سینما رفتند. در روز ۱۳ خرداد آمار استقبال ۱۶۶ هزار و ۷۷۰ مخاطب به ثبت رسید و بدین ترتیب این روز به لحاظ تعداد تماشاگر، در صدر سه‌شنبه‌های نیم‌بهای خردادماه قرار گرفت.

تیرماه برای جامعه ایران ماهی پرتش بود؛ چراکه وقایع مربوط به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه فضای عمومی کشور را تحت‌تأثیر خود قرار داده بود. این شرایط باعث شد، آمار مخاطبان سه‌شنبه‌های نیم‌بها در مقایسه با ماه‌های قبل با نوسان همراه باشد. با این حال در پایان ماه بار دیگر سینما توانست مخاطبان زیادی را به سالن‌ها بکشاند؛ به‌گونه‌ای که در سه‌شنبه‌های این ماه نیز در مجموع بیش از ۵۰۰ هزار نفر راهی پردیس‌ها و مجموعه‌های سینمایی در سراسر کشور شدند و تنها در روز ۳۱ تیرماه، ۲۰۳ هزار و ۶۹۶ مخاطب از فیلم‌ها استقبال کردند.

با شروع مرداد و آغاز اکران فیلم‌های تازه‌ای همچون «زن و بچه» (ساخته سعید روستایی) و «مرد عینکی» (ساخته کریم امینی) همچنین تداوم اکران فیلم پرمخاطب «پیر پسر» (به کارگردانی اکتای براهینی)، بار دیگر میزان استقبال مخاطبان از آثار سینمای ایران سیر صعودی به خود گرفت. با وجود اینکه هنوز یک سه‌شنبه دیگر از این ماه باقی مانده اما تا کنون نزدیک به ۸۰۰ هزار نفر در سه‌شنبه‌های مرداد ماه راهی سینماها شده‌اند.

در روزهای پایانی مردادماه فروش سینمای ایران در حالی به هزار میلیارد تومان نزدیک شده که نیم‌بها بودن بلیت فیلم‌ها در روزهای سه‌شنبه بر آیین میزان فروش اثرگذار بوده و احتمالاً شناور شدن قیمت بلیت در ساعت‌های مختلف روز و هفته بر افزایش مخاطبان سینما بی‌تأثیر نباشد.

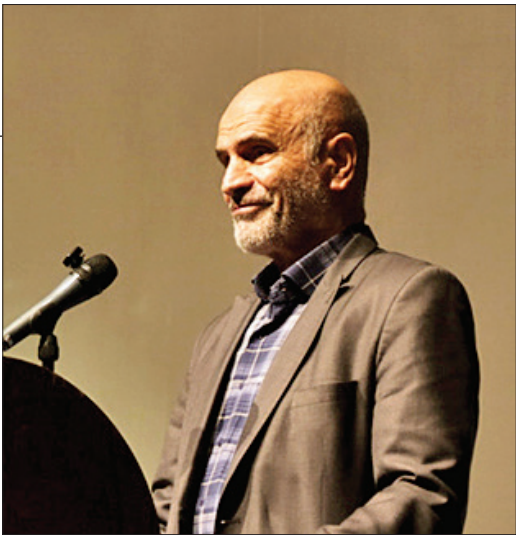
آمارها نشان می‌دهد «سه‌شنبه‌های نیم‌بها» تنها یک طرح تخفیفی نیست؛ بلکه حالا به یک فرهنگ هفتگی برای سینما رفتن در ایران تبدیل شده است. بسیاری از خانواده‌ها، جوانان و حتی مخاطبانی که شاید در روزهای عادی کمتر به سینما می‌روند حالا سه‌شنبه‌ها را برای تماشای فیلم‌های روز سینمای ایران انتخاب می‌کنند. کارشناسان سینما بر این باورند که ادامه این سیاست می‌تواند ضمن رونق چرخه اقتصادی سینما به رشد فرهنگ سینما رفتن در کشور نیز کمک شایانی کند».

مدتی قبل یک مدیر سینما گفته بود: باید بلیت شناور را اجرایی کنیم و به زودی این کار انجام خواهد شد. ما بلیت را در چهار قیمت خواهیم داشت: صبح‌ها برای دانشجویان، یک روز نیم‌بها، پایان هفته و قیمت سانس‌های معمولی. پس از گذشت ۵ ماه از سال بیش از ۱۱ میلیون نفر به تماشای حدود ۳۰ فیلم اکران شده در سینماها رفته‌اند که نتیجه آن تا ظهر روز یک‌شنبه ۲۶ مردادماه، فروش ۹۰۴ میلیارد تومانی گیشه است.

در این مدت فیلم‌های کم‌دی بیش از دیگر فیلم‌ها در میان پرفررورها هستند و فیلم غیرکم‌دی «پیر پسر» هم در جایگاه دوم فروش قرار دارد.

موسسه سینماشهر با ارزیابی میزان فروش فیلم‌ها و تعداد مخاطبان در این چند ماه گزارش کرده که بررسی آماری روزهای سه‌شنبه نشان می‌دهد، اجرای طرح فروش بلیت نیم‌بها در این روز، نقش مهمی در میزان استقبال تماشاگران سینمای ایران از فیلم‌های حاضر در چرخه اکران داشته است.

در بخشی از این گزارش آمده است: «تازه‌ترین آمارها از فروش و تعداد مخاطبان امسال نشان می‌دهد که این طرح نه‌تنها توانسته خانواده‌های بیشتری را به سالن‌های سینما بکشاند بلکه باعث رونق حداکثری سالن‌های سینما در سراسر کشور شده است. به گونه‌ای که مطابق با آمار احصا شده از مجموعه‌ها و پردیس‌های سینمایی در سراسر کشور، در مجموع ۲۰ روز سه‌شنبه از ابتدای سال تاکنون، حدوداً ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار مخاطب به تماشای فیلم‌های



افتخار آشنایی اصولی با دکتر جهانگلو را نداشتم و در زمینه کار ایشان هم تخصصی ندارم اما خواستم در این محفل در پایان مجلس چند دقیقه وقت شما را بگیرم تا از بانویی نام ببرم که بیش از چهار دهه عاشقانه همراه و همدم جهانگلو بود؛ بانویی تحصیل کرده، هنرمند، خوش‌ذوق، پژوهشگر، نویسنده و مترجم؛ خجسته کیا. او در سال ۱۳۳۶ پس از دوره‌ای آشنایی و علاقه، پیمان زناشویی با دکتر جهانگلو بست و در تمام سال‌های پایانی عمر ایشان، دل‌سوزترین پرستار بود. بانویی که در ۹ مرداد امسال ۹۲ ساله شد؛ زنی خوش‌سیما که زیبایی جوانی‌اش هنوز در چهره دوست‌داشتنی‌اش نمایان است.» آموزگار با اشاره به فعالیت‌های هنری خجسته کیا افزود: «او از نادر هنرمندانی است که تحصیلات جدی آکادمیک در رشته تئاتر داشت و از مدرسه تئاتر اریک در انگلستان فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۳۶ فعالیت‌های هنری خود را آغاز کرد. نخستین بار در نمایش‌نامه «مرغ دریایی» اثر چخوف، که خود آن را ترجمه کرده بود، به صحنه رفت. هم‌چنین در نمایش‌نامه «سیاه» اثر علی نصیریان و نمایش «گلدان» بهمن فرسی نقش آفرینی کرد. او با بزرگان تئاتر چون علی نصیریان، جمشید مشایخی، محمدعلی کشاورز، اسماعیل داوودر و دیگران همکاری داشت. با تسلطی که به زبان‌های انگلیسی و فرانسه داشت و با آشنایی عمیق با ادبیات غرب و متون کهن ایرانی، آثار خواندنی و ابتکاری بسیاری آفرید. او تا امروز نیز هر روز پس از صبحانه کتابی برمی‌دارد و در بالکن کوچک و باصفای خانه‌اش مطالعه می‌کند. هرچند فراموشی گاه‌به‌گاه به سراغش آمده اما همچنان اهل کتاب و اندیشه است. کمتر کسی می‌داند که او زنی نیکوکار بود. به‌ویژه در مورد دختران نوجوان زندانی در کانون اصلاح و تربیت، بارها به دیدارشان می‌رفت، پای درد دلشان می‌نشست و برایشان معلم خیاطی، زبان و کاردستی می‌یافت. خجسته کیا از زنان بزرگ و در حاشیه تاریخ است؛ زنانی که نمونه‌هایشان در این سرزمین کم نیست. همراهی او با دکتر جهانگلو و نقش بی‌بدیش در فرهنگ، هنر و نیکوکاری، یاد و نامش را در کنار بزرگان این سرزمین ماندگار می‌کند.»

روستایی پیش از این برای ساخت «برادران لیل» برنده جایزه فیپرسی در جشنواره کن شده بود و به نظر می‌آمد، زمان آن فرا رسیده که جایزه مهم‌تری را از این جشنواره مهم جهانی به دست بیاورد. نمایش عمومی «زن و بچه» در سینماها این فرصت را فراهم کرد تا مخاطب ایرانی نیز بدون واسطه با فیلم روبه‌رو شده و به تحلیل دقیقی از آن دست یابد. حقیقت این است که «زن و بچه» نه‌تنها قدمی رو به جلو برای روستایی محسوب نمی‌شود بلکه در لحظاتی آنچنان عجیب و سؤال‌برانگیز می‌نماید که ما را به شک می‌اندازد که آیا واقعاً در حال تماشای اثری از سعید روستایی هستیم؟ فیلمی که واقع یک تراژدی دردناک را روایت می‌کند و روایتش به‌گونه‌ای است که نه تنها همدان‌پنداری مخاطب را برنمی‌انگیزد بلکه ضعف‌های ساختاری‌اش در لحظاتی چنان دافعه‌ای ایجاد می‌کند که مخاطب خسته و دلزده از تماشای فیلم را به خروج از سالن سینما ترغیب می‌کند. فیلمی که بدون تردید نمی‌تواند، نماینده شایسته‌ای برای سینمای ایران در مراسم اسکار باشد.

گریزه (سیاوش اسعدی):

یک عاشقانه تماشایی از سیاوش اسعدی که پیش از این با «حوالی اتوپان»، «جیب‌بر خیابان جنوب» و البته «درخونگاه» نشان داده بود که نه تنها یک دل‌باخته سینما بلکه یک تکنسین حرفه‌ای و با استعداد است. کارگردانی که نماهای درخشان و دیالوگ‌های فکر شده آتارش یادآور روزهای اوج مسعود کیمیایی است و خوب می‌داند چطور با زبان سینما، مخاطبش را نمک‌گیر کند. «گریزه» فیلمی است که آشکارا با الهام از «سینما پارادیزو»، شاهکار فراموش نشدنی «جوزپه تورناتوره» ساخته شده است. فیلمی خوش‌ساخت که روایت تازه‌ای از عشق‌های نوستالژیک را به روی پرده آورده و با افزودن موسیقی متنی شنیدنی، حظ مخاطبش را کامل می‌کند. «گریزه» که حالا در نوبت اکران قرار دارد تا یکی از شروط اصلی معرفی به آکادمی علوم و هنرهای سینما را دارا باشد، جایزه ویژه داوران برای کارگردانی فیلم از فستیوال «اوجایی» در کالیفرنیا را کسب کرده و بازیگر جوانش، «ساینا روحانی» در نخستین تجربه بازیگری‌اش، موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر زن از فستیوال «فیلم سالنتو» در ایتالیا شده است. «گریزه» فیلمی است که می‌توان گفت پس از «پیر پسر» شایسته‌ترین نماینده سینمای ایران برای معرفی به آکادمی است به ویژه به خاطر آنکه ظاهراً از حمایت یکی از پخش‌کننده‌های معتبر بین‌المللی نیز برخوردار است که مطمئناً این مسأله نقش فراوانی برای موفقیت در کسب جوایز اسکار خواهد داشت.

توانستم ادامه بدهم. این میزان بی‌رحمانه نقد کردن خوشتن، ویژه او بود.» مومنی جهانگلو را «معلم توسعه» نامید و گفت: «اندیشه‌های جهانگلو در حوزه توسعه، بسیار پیشگام و ممتاز بود. او نخستین کسی بود که در دهه ۱۳۳۰ آینده‌شناسی را به ایران معرفی کرد و حتی سال‌ها پیش از دیگران، آلین تافلر را به جامعه ایران شناساند. او دامنه مباحث توسعه را از انسان کامل عزیزالدین نسفی تا تسخیر کرات می‌دانست. به همین دلیل بود که می‌گفت: توسعه فقط علم اقتصاد نیست، توسعه زیستن انسان است. قانون خاص خودش را داشت و تا پایان عمر زور نظام رسمی آموزشی به او نرسید. تنها یک درس ارائه می‌کرد: اقتصاد توسعه. اما نه یک ترم بلکه ۹ ماه پیوسته. جذابیت درس چنان بود که همه دانشجویان داوطلبانه می‌آمدند. امتحان کتبی نداشت؛ معیار اصلی‌اش نحوه مشارکت و کیفیت پژوهش بود. در کلاس‌هایش، بیزاری‌اش از تملق و چاپلوسی آشکار بود و شوک‌ها می‌شد وقتی می‌دید، دانشجویانش بی‌پروا نقد می‌کنند. با موضوع پایان‌نامه شاگردش زندگی می‌کرد. حتی گاه بیش از خود دانشجو درگیر می‌شد. در زمان دشواری معیشتی من، شخصاً به معاونت پژوهشی دانشگاه رفت و با قدرت استدلال و نفوذ کلام، پایان‌نامه‌ام را به عنوان پروژه تحقیقاتی ثبت کرد تا کمک مالی دریافت کنم. اما هیچ‌گاه این لطف‌ها را مستقیم بر زبان نمی‌آورد. حتی مقالات خارجی کمیاب را خود ترجمه می‌کرد، هزینه می‌پرداخت، کپی می‌گرفت و با فروتنی به دست من می‌داد و تنها می‌گفت: خیلی دلم می‌خواهد، ارزیابی تو را از این متن بدانم.» مومنی هم چنین خاطره‌ای از غیرتمندی استاد نسبت به ایران نقل کرد: «یک بار صبح زود با خشمم و بغض از کتابی که درباره دربار پهلوی خوانده بود، گفتم: احساس تحقیر ملی به من دست داد. با حالت متضرعانه‌ای گفت: وقتی نزد نخست‌وزیر می‌روی به او قسم بده که با عملکردشان کاری نکنند، زبان این‌ها دوباره بر مردم ایران دراز شود.»

زنی بزرگ در حاشیه تاریخ

در پایان مراسم بزرگداشت دکتر امیرحسین جهانگلو، ژاله آموزگاریه سخنرانی پرداخت و با اشاره به جایگاه همسر استاد گفت: «من شخصاً

در ایسن فیلم، جایزه بهترین بازیگر مرد فستیوال فیلم ترانسیلوانیای رومانی را از آن خود کرده است. به نظر می‌رسد «پیر پسر» در صورت پشتیبانی یک پخش‌کننده معتبر جهانی از شانس زیادی برای موفقیت در مراسم اسکار نیز برخوردار است و حیف است که این فرصت تاریخی از این فیلم دریغ شود.

زن و بچه (سعید روستایی):

چهارمین فیلم کارنامه سینمایی سعید روستایی، از همان اولین نمایشش در جشنواره فیلم کن، مورد توجه مخاطبان سینمای ایران قرار گرفت. مخاطبانی که توانایی‌های غیرقابل انکار روستایی در فیلم‌های «ابد و یک روز»، «متری شش و نیم» و «برادران لیل» را دیده بودند و حالا چشم به راه کسب یک جایزه مهم بین‌المللی توسط کارگردان محبوبشان بودند. اگرچه تشویق‌های ممتد تماشاگران فیلم پس از نخستین نمایش آن در جشنواره کن، همگان را به درخشش فیلم در جشنواره امیدوار کرده بود اما در ادامه، واکنش‌های امیدوارکننده‌ای از منتقدان و البته داوران جشنواره کن به گوش نرسید تا «زن و بچه» بدون کسب افتخاری خاص، کن را ترک کند. این در حالی است که



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

فقط هیج

چگونه دشمن هم می‌شویم؟

فریده اسکندری

تحلیلگر اقتصاد

تفکر حاصل جمع صفر، دیدگاهی است که در آن منابع، فرصت‌ها یا منافع به‌صورت محدود فرض می‌شوند به‌طوری که کسب سود یا منفعت توسط یک فرد یا گروه به معنای زیان فرد یا گروه دیگر است. این نوع تفکر می‌تواند شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به دلایل زیر تعمیق کند: وقتی افراد یا گروه‌ها باور دارند که منابع محدودند، رقابت شدیدی برای کنترل این منابع شکل می‌گیرد. این رقابت می‌تواند به جای همکاری به تقابل و دشمنی منجر شود. برای مثال در محیط‌های کاری، اگر کارکنان تصور کنند که ارتقای شغلی تنها به تعداد محدودی تعلق می‌گیرد به جای همکاری، ممکن است به تضعیف یکدیگر بپردازند که اعتماد و انسجام تیمی را کاهش می‌دهد. این تفکر همچنین حس بی‌عدالتی را تقویت می‌کند. وقتی گروهی احساس کند که منافعتش در خطر است یا به نفع گروه دیگر از دست می‌رود، احساس محرومیت نسبی ایجاد می‌شود. این موضوع می‌تواند شکاف‌های طبقاتی، قومی یا فرهنگی را عمیق‌تر کند زیرا گروه‌ها به جای جست‌وجوی راه‌حل‌های مشترک به دفاع از منافع خود در برابر دیگران می‌پردازند. در سطح سیاسی، تفکر حاصل جمع صفر می‌تواند به قطبی‌سازی منجر شود. سیاستمداران یا احزاب ممکن است با ترویج این ایده که پیروزی یک گروه برابر با شکست گروه دیگر است، هواداران خود را علیه دیگران بسیج کنند. این امر گفت‌وگو و مصالحه را دشوار کرده و تنش‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، این دیدگاه مانع نوآوری و خلاقیت می‌شود. وقتی تمرکز بر تقسیم منابع موجود باشد به جای خلق فرصت‌های جدید، افراد و جوامع در چرخه‌ای از رقابت مخرب گرفتار می‌شوند که مانع رشد جمعی است.

در نهایت، تفکر حاصل جمع صفر با تقویت ذهنیت «ما در برابر آنها»، اعتماد متقابل را از بین می‌برد و همکاری برای حل مشکلات مشترک را سخت‌تر می‌کند. این چرخه می‌تواند، شکاف‌های موجود را نه تنها عمیق‌تر بلکه پایدارتر کند زیرا تمرکز بر منافع کوتاه‌مدت فردی یا گروهی به جای خیر جمعی غالب می‌شود. تفکر حاصل جمع صفر در موقعیت‌های واقعی می‌تواند، شکاف‌ها را به شکل‌های ملموسی تعمیق کند. در اقتصاد، وقتی کشورها در مذاکرات تجاری فرض کنند که سود یکی به معنای زیان دیگری است به جای همکاری برای گسترش تجارت به اعمال تعرفه‌های سنگین یا تحریم روی می‌آورند. برای مثال در جنگ تجاری آمریکا و چین در اواخر دهه ۲۰۱۰ هر دو طرف با افزایش تعرفه‌ها سعی کردند، منافع خود را حفظ کنند اما نتیجه کاهش تجارت جهانی، افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان و تشدید تنش‌های سیاسی بود.

در جوامع چندفرهنگی، این تفکر می‌تواند به تبعیض و حاشیه‌سازی منجر شود. مثلاً در برخی کشورها، وقتی گروه‌های مهاجر به‌عنوان تهدیدی برای مشاغل بومیان دیده می‌شوند، سیاست‌های محدودکننده مهاجرت یا رفتارهای خصمانه علیه مهاجران افزایش می‌یابد. این دیدگاه که شغل‌های موجود محدودند به جای تشویق به ایجاد فرصت‌های جدید به تنش‌های قومی و اجتماعی دامن می‌زند مانند آنچه در برخی کشورهای اروپایی در واکنش به موج مهاجرت از خاورمیانه دیده شد. در محیط‌های آموزشی اگر دانش‌جویان باور داشته باشند که نمرات بالا تنها به تعداد محدودی داده می‌شود، ممکن است به جای همکاری در گروه‌های مطالعه، اطلاعات را از یکدیگر پنهان کنند یا حتی به تقلب روی بیاورند. این رفتار در دانشگاه‌های رقابتی مانند رقابت برای ورود به رشته‌های پزشکی دیده می‌شود که حس بی‌اعتمادی و انزوای اجتماعی را تقویت می‌کند. در سیاست داخلی، تفکر حاصل جمع صفر می‌تواند به پوپولیسم دامن بزند.

برای مثال در برخی کشورها، سیاستمداران با ترویج این ایده که منابع اقتصادی تنها به گروه‌های خاصی (مثل طبقه متوسط یا اقلشار کم‌درآمد) تعلق دارد، شکاف طبقاتی را تشدید می‌کنند. این موضوع در انتخابات برخی کشورهای غربی دیده شده، جایی که شعارهای «اولویت با بومیان» به جدایی اجتماعی و سیاسی منجر شده است. در سطح خانوادگی، وقتی اعضای خانواده بر سر ارث یا منابع مالی محدود رقابت می‌کنند، روابط خویشاوندی آسیب می‌بیند. مثلاً درگیری بر سر تقسیم زمین یا اموال موروثی در بسیاری از فرهنگ‌ها، باعث قطع ارتباط خانوادگی شده چون هر طرف فکر می‌کند، سهم بیشتر او به معنای زیان دیگران است. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که تفکر حاصل جمع صفر با ایجاد رقابت مخرب، کاهش اعتماد و مانع شدن از همکاری، شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی شخصی را عمیق‌تر می‌کند.

اقتصاد و اقتدار

چرا پوتین در مذاکره با ترامپ دست بالاتر را داشت؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

اقتصاد نقش کلیدی در اقتدار سیاسی و دیپلماتیک کشورها ایفا می‌کند زیرا قدرت یک کشور در مذاکرات بین‌المللی به ثبات و خودکفایی اقتصادی آن وابسته است. مقایسه وضعیت اقتصادی ایران و روسیه در مواجهه با تحریم‌ها نشان‌دهنده، تفاوت‌های عمیق در سیاستگذاری اقتصادی و حکمرانی است که به اقتدار یا ضعف این کشورها در صحنه جهانی منجر شده است. می‌گویند ولادیمیر پوتین در مذاکره با دونالد ترامپ دست بالا را داشت و دست‌کم چیزی را از دست نداد. اگر چنین فرضی درست باشد به عقیده اقتصاددانان، دست بالای پوتین در مذاکره با ترامپ صرفاً به خاطر اتمی بودن روسیه نیست. اگر روبل روسیه مثل ریال ایران به خاطر تحریم‌های اقتصادی سقوط می‌کرد و نظام حکمرانی این کشور تورم چند ده درصدی به مردم خود تحمیل می‌کرد و در داخل با ناترازی آب و برق و گاز مواجه بود حتماً او نیز در مذاکره دست پایین را داشت. اقتصاد چه نقشی در اقتدار روسیه دارد؟ اقتصاددانان می‌گویند، اقتصاد نقش محوری در اقتدار روسیه، به‌ویژه در مذاکرات بین‌المللی، ایفا می‌کند، زیرا قدرت سیاسی و دیپلماتیک یک کشور به شدت به ثبات اقتصادی آن کشور وابسته

است. روسیه، برخلاف سناریو فرضی که در آن روبل سقوط کند یا تورم افسارگسیخته و قطعی زیرساخت‌ها رخ دهد از چند عامل اقتصادی کلیدی بهره می‌برد که به پوتین در مذاکرات دست بالا می‌دهد. اول، روسیه یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان انرژی در جهان است. این کشور بخش قابل‌توجهی از گاز اروپا و حجم عظیمی از نفت خام را تأمین می‌کند. وابستگی کشورهای غربی، به‌ویژه اروپا به انرژی روسیه، به این کشور اهرم ژئوپلیتیکی قدرتمندی می‌دهد. حتی در شرایط تحریم، روسیه با تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی خود توانسته، جریان درآمدی خود را حفظ کند. این درآمد‌های ارزی، ثبات روبل را تضمین کرده و مانع از فروپاشی اقتصادی شبیه به سناریوی فرضی شده است. دوم توان بالای روسیه در بخش‌های کلیدی مانند کشاورزی و صنایع نظامی، این کشور را در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر کرده است. پس از تحریم‌های ۲۰۱۴ روسیه سیاست «جایگزینی واردات» را تقویت کرد و تولید داخلی را افزایش داد که باعث کاهش وابستگی به خارج شد. این خودکفایی همراه با ذخایر ارزی بالا به دولت اجازه داده تا اثرات تحریم‌ها را مدیریت کند و تورم را در مقایسه با کشورهایی مثل ایران کنترل‌پذیر نگه دارد. سوم، نظام اقتصادی روسیه، هرچند با فساد و ناکارآمدی‌هایی همراه است اما به دلیل تمرکزگرایی و کنترل شدید دولت بر بخش‌های استراتژیک، انعطاف‌پذیری لازم برای مقابله با شوک‌های خارجی را دارد. این ساختار به پوتین امکان می‌دهد تا منابع را به سرعت برای اهداف سیاسی یا نظامی تخصیص دهد بدون اینکه با ناآرامی‌های داخلی

بازار سهام

سیگنال اعتماد

چرا بازار سهام با رشد مواجه شد؟

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

بورس تهران دیروز با جهش ۴۵ هزار و ۷۴۲ واحدی شاخص کل و رشد ۱.۸۶ درصدی به سطح ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار و ۱۳۷ واحد رسید و نشانه‌های بازگشت اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سهام را به نمایش گذاشت. ورود ۷۷۵ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی و برتری محسوس تقاضا بر عرضه، نویدبخش تداوم روند صعودی و افزایش اقبال به فرصت‌های پرریسک‌تر در بازار بود.

شاخص کل بورس تهران دیروز با رشد ۴۵ هزار و ۷۴۲ واحدی، معادل ۱.۸۶ درصد، به سطح ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار و ۱۳۷ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۸ هزار و

گسترده‌ای مواجه شود. در مقابل، اگر روسیه با تورم بالا، قطعی زیرساخت‌ها یا نارضایتی گسترده داخلی مواجه بود، توانایی پوتین برای حفظ موضع قاطع در مذاکرات تضعیف می‌شد زیرا ناآرامی داخلی و ضعف اقتصادی به سرعت به اهرم فشار برای طرف مقابل تبدیل می‌شود. علاوه بر این، اقتصاد متنوع و بزرگ روسیه در مقایسه با کشورهایی با اقتصاد تک‌محصولی یا وابسته به این کشور عمق استراتژیک می‌دهد. این تنوع همراه با منابع طبیعی فراوان و نیروی کار ماهر به روسیه امکان می‌دهد تا در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند و در مذاکرات بین‌المللی از جمله با شخصیتی مثل ترامپ با اعتمادبه‌نفس عمل کند. درنهایت



اقتصاد قوی‌تر به معنای توانایی مالی برای حفظ قدرت نظامی، دیپلماتیک و اطلاعاتی است. بدون پشتوانه اقتصادی حتی زرادخانه اتمی نمی‌توانست به تتهایی دست برتر را به پوتین بدهد زیرا سلاح هسته‌ای بیشتر ابزار بازدارندگی است تا اهرم مذاکره. اقتصاد پایدار، همراه با مدیریت منابع و کنترل داخلی به پوتین اجازه داده تا در مذاکرات با قدرت‌های غربی از جمله در برابر ترامپ، موضعی تهاجمی و مطمئن اتخاذ کند.

اما وضعیت ما چگونه است؟

دهه ۹۰ دهن جامعه ایران با تحریم‌های اقتصادی، رکود و تورم و نااطمینانی و اعتراض معنی و مفهوم پیدا می‌کند. ما این دهه را با تحریم‌های دشوار آغاز کردیم و با تحریم‌های دشوارتر به پایان رساندیم که همچنان هم ادامه دارد. در این میان جامعه ما به واسطه برجام و رفع تحریم‌ها دو یا سه سال فرصت تنفس پیدا کرد اما پس از آن دوباره فضای نفس کشیدنمان بسته شد تا امروز که دیگر دچار تنگی نفس شده‌ایم. در حالی که مردم نقشی در شکل‌گیری تحریم‌های اقتصادی ندارند اما نظام حکمرانی بار اصلی را روی دوش آنها گذاشته و آحاد جامعه ناچارند، هزینه سنگینی بابت تصمیم‌هایی بپردازند که می‌تواند و باید به‌گونه‌ای دیگر باشد. موضوع این نیست که سیاست هسته‌ای شدن ایران خطاست یا خطأ نیست؛ موضوع این است که سیاستگذاری برای مغلوبه کردن جنگ اقتصادی و یا اثر کردن تحریم‌ها اشتباه است. شکی نیست که یکی از اهداف اصلی اعمال تحریم‌ها علیه

ایران، ایجاد زمینه برای فشار به جامعه از طریق دشوار کردن زندگی و کسب‌وکار افراد است. یعنی تحریم‌کننده تلاش می‌کند مردم تحت فشار را علیه حکومت مستقر تحریک کند تا میزان نارضایتی افزایش پیدا کند و فروپاشی سیاسی اتفاق بیفتد. پس به صورت ساده می‌توان گفت، هدف تحریم‌ها فروپاشی اقتصادی است برای اینکه به فروپاشی سیاسی منجر شود. تا امروز کشورهای زیادی در تله تحریم گرفتار شده‌اند و نتایج مختلفی از این سیاست به دست آمده اما عجیب است که تحریم‌ها درباره برخی کشورها نظیر ایران جواب می‌دهد اما درباره برخی کشورها مثل روسیه کم‌اثر است. سوال این است که روسیه چگونه توانست تحریم‌ها را کم‌اثر کند؟ کلید حل مساله را باید در حکمرانی خوب، سیاستگذاری درست اقتصادی و انتصاب‌های شایسته مقامات اقتصادی روسیه دانست. نکته مهم‌تر این است که روسیه سنگینی تحریم‌ها را روی دوش مردم نگذاشت و از طریق سیاستگذاری صحیح موفق شد، تحریم‌ها را کم‌اثر کند. قطعاً این اتفاق رخ نمی‌داد اگر اقتصاددانان شایسته به کار گمارده نمی‌شدند و راه‌حل‌ها علمی نبود. برخلاف روسیه، سیاست‌های اقتصادی اعمال شده در ایران به منظور کاهش اثر تحریم‌ها و انتصاب مدیران به صورت پیوسته همراه با خطا بوده و در نتیجه رنج مردم را مضاعف کرده است. با وقوع تحریم‌ها از سال ۱۳۹۰ به بعد،

وضعیت متغیرهای اصلی اقتصاد کشور هم در مقایسه با وضعیت مطلوب و هم نسبت به وضعیت قبل از تحریم بسیار بدتر شده است. به‌طور مثال جامعه ایران تنها در یک دهه گذشته با چند بحران بزرگ ارزی مواجه شده که هر کدام به تتهایی شوک‌های سنگینی به رفاه جامعه وارد کرده‌اند. در این مدت اندازه اقتصاد ایران نه‌تنها افزایش نیافته بلکه کوچک‌تر هم شده است. موجودی سرمایه و درآمد افراد هم به‌طور مستمر کاهش یافته و به این ترتیب رفاه جامعه به میزان زیادی از دست رفته و درآمد سرانه ایرانیان در سطحی پایین‌تر از کشورهای مثل مراکش و تونس و بولیوی قرار گرفته است. کشورهای تحریم‌کننده برای اینکه با ابزارهایی نظیر تحریم کشورها را به زانو درآورند از باهوش‌ترین و تحصیل‌کرده‌ترین نیروهای خود بهره می‌برند. آمریکا جمعی از بهترین و باهوش‌ترین جوانان خود را مسؤول طراحی تحریم‌ها می‌کند اما در کشور ما افرادی که باید در شش‌طرح تحریم بازی کنند به اندازه مهندسان طراحی تحریم‌ها باهوش نیستند. ضعف دیپلماسی ایران مشهود است و باهوش‌ترین جوانان ما کشور را ترک می‌کنند و افرادی که در مقام سیاستگذاری قرار است آثار تحریم را خنثی کنند، نه قاعده بازی را بلدند و نه قدرت مغلوبه کردن جنگ اقتصادی را دارند. این موضوع درباره روسیه صادق نیست و ولادیمیر پوتین از بهترین و باهوش‌ترین مدیران برای خنثی کردن تحریم‌ها بهره می‌برد. ما که در مسائل امنیتی و نظامی و بین‌المللی مقلد و همراه روسیه و چین هستیم چرا در حکمرانی اقتصادی از این کشورها تقلید نمی‌کنیم؟

افزایش قیمت و ۱۵۹ نماد با کاهش قیمت مواجه شدند که نشان‌دهنده برتری قابل توجه سمت خرید و تقویت اعتماد معامله‌گران به رشد شاخص‌هاست. ارزش سفارش‌های خرید ۱ هزار و ۶۱۴ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۲هزار و ۷۲۲ میلیارد تومان بود که بیانگر فشار فروش در برخی گروه‌های بازار است. تعداد صف‌های خرید به ۳۵۵ مورد و صف‌های فروش به ۱۱۸ مورد رسید. این توزیع نشان‌دهنده برتری تقاضا بر عرضه و تمایل سرمایه‌گذاران به خرید و نگهداری سهام است.

رشد شاخص کل و هم‌وزن، همراه با ورود نقدینگی از بازگشت آرامش نسبی به بازار حکایت دارد. گروه‌های بزرگ و شاخص‌ساز بیشترین نقش را در این رشد ایفا کردند. در مجموع، معاملات دیروز نشان‌دهنده تداوم روند مثبت و اقبال سرمایه‌گذاران به فرصت‌های پرریسک‌تر برای کسب بازدهی بالاتر بود. اگر هدف، حمایت واقعی از حقوق سهام‌داران است باید به جای مداخله مستقیم در قیمت‌ها، قفل‌های ساختاری را باز کرد. بازار آزاد و شفاف، خود بهترین حامی سرمایه‌گذاران است. آغاز این مسیر از باز شدن دامنه نوسان، کاهش مداخلات دستوری، تقویت شفافیت و توسعه ابزارها می‌گذرد؛ مسیری که می‌تواند تعادل پایدار و رشد واقعی را به بازار سرمایه بازگرداند.

اعتراض به سیما در ریل

مردی ۵۰ ساله در اعتراض به صدا و سیما خود را جلوی مترو انداخت

گروه اجتماعی: حوالی عصر دیروز، مردی حدود ۵۰ ساله در یکی از ایستگاههای متروی تهران تصمیم به خودکشی گرفت. بنری که همراه داشت، دلیل آن را فاش می کرد؛ «من یک کارآفرین و تولیدکننده مواد غذایی هستم که محصول جدیدی تولید کرده‌ام و مورد استقبال عموم مردم مخصوصاً نوجوانان و جوانان قرار گرفته ولی مدت ۱۸ ماه است که سازمان صدا و سیما با مسدود کردن حساب، ما را به خاک سیاه نشانده است.» به گزارش رسانه‌ها، این مرد که در اعتراض به «ظلم صداوسیما» اقدام کرده بود با دخالت به‌موقع مردم و پرسنل مترو نجات یافت. طبق اظهارات تازه مسئولان علمی این حوزه در بهمن و اسفند ۱۴۰۳ مرگ‌های ناشی از خودکشی در ایران طی ۴ سال اخیر هر سال حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. این جمع‌بندی در همایش «سلامت روان و رسانه» ارائه شد و نشان می‌دهد: زنان خانه‌دار با ۸/۳۲ درصد در صدر «اقدام به خودکشی» قرار داشته‌اند؛ پس از آنان شاغلان با ۸/۱۸ درصد سپس دانش‌آموزان با ۲/۱۵ درصد قرار می‌گیرند. همین گزارش‌ها تأکید می‌کند که «اقدام» الزاماً به مرگ منجر نمی‌شود اما شاخصی هشداردهنده از فشارهای روانی اجتماعی انباشته است. هم‌زمان، رسانه‌ها به نقل از همین نشست عدد (۶ هزار و ۹۱۸ جان‌باخته) در سال ۱۴۰۱ را گزارش کرده‌اند؛ رقمی که بر اساس گفته‌های کارشناسان، در بستر رشد سالانه، تصویر نگران‌کننده‌تری از روند عمومی می‌سازد. باید توجه داشت که مراجع رسمی از پس سال ۱۴۰۱ انتشار منظم آمار را متوقف کرده‌اند و دسترسی به داده‌های به‌روز دشوار است.

در کنار شواهد میدانی فشار اقتصادی بر خانوارها، این تصویر عددی جدید رشد سالانه حدود ۱۰ درصد، ترکیب گروه‌های در معرض اقدام و خلأ داده‌های رسمی پس از ۱۴۰۱ مؤید آن است که

جامعه

مرگ دسته‌جمعی مرغ‌ها!

گله‌های مازاد مرغ تخم‌گذار با گاز خفه و معدوم شدند

گروه اجتماعی: طی روزهای اخیر گزارش‌های متعددی منتشر شده که در برخی واحدهای مرغداری تخم‌گذار تحت نظارت دامپزشکی، گله‌های مازاد مرغ‌تخم‌گذار با گاز خفه شده و معدوم می‌شوند. بنابر این گزارش‌ها، عواملی چون قیمت پایین تخم‌مرغ در بازار، گران شدن و کمبود نهاده‌های دامی (ذرت و سویا) و افزایش بی‌رویه جوجه‌ریزی باعث شده تا تولید تخم‌مرغ از تقاضای بسیار فراتر رود و مرغداران متحمل ضرر سنگین شوند. به‌عنوان مثال، گزارش‌ها حاکی است که صنعت مرغ تخم‌گذار تاکنون بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان زیان دیده است. کارشناسان هشدار داده‌اند، ادامه این روند می‌تواند بحران امنیت غذایی کشور را تشدید کند.

در ماه‌های اخیر وضعیت تولید و عرضه تخم‌مرغ در ایران با مشکلات جدی مواجه شده که فشار سنگینی بر تولیدکنندگان وارد کرده است. قیمت مصوب تخم‌مرغ درب مرغداری حدود ۶۲ هزار تومان تعیین شده اما در عمل بسیاری از مرغداران مجبورند، محصول خود را تا حدود ۱۰ هزار تومان پایین‌تر از این نرخ بفروشند. کاهش قیمت عملی تخم‌مرغ باعث شده تا توانایی تولیدکنندگان در تأمین هزینه‌های تولید به شدت کاهش یابد و برای جلوگیری از زیان بیشتر برخی از مرغداری‌ها اقدام به معدوم‌سازی بخشی از گله‌های خود کنند. این مساله نشان می‌دهد که تولیدکنندگان در شرایط فعلی با خطر مالی جدی روبه‌رو هستند و مجبور به اتخاذ تصمیم‌های تلخ برای حفاظت از سرمایه خود می‌شوند.

یکی از دلایل مهم افزایش فشار بر مرغداران، گران شدن نهاده‌های دامی و کمبود عرضه آنها در بازار آزاد است. ذرت و سویا با ارز رسمی وارد کشور می‌شوند اما یافتن این نهاده‌ها در بازار آزاد دشوار است و قیمت‌ها به شدت افزایش یافته است؛ به‌طور مثال قیمت ذرت از حدود ۱۱ هزار تومان به بیش از ۲۲ هزار تومان رسیده است. این افزایش شدید هزینه‌های خوراک باعث شده تا سودآوری مرغداری‌ها به شدت کاهش یابد و فشار اقتصادی بر تولیدکنندگان افزایش یابد. کمبود و گران شدن نهاده‌ها، همراه با کاهش قیمت فروش تخم‌مرغ، ترکیبی از عوامل بحرانی را ایجاد کرده که مرغداران را به لبه ورشکستگی کشانده است.

از سوی دیگر، سیاست‌های تشویقی وزارت جهاد کشاورزی برای افزایش جوجه‌ریزی نیز سهم زیادی در بروز بحران داشته است. به‌ویژه در شرایطی که هدف جلوگیری از کمبود پروتئین در جامعه

مساله فقط «حادثه فردی» نیست؛ با یک ریسک جمعی فزاینده مواجه‌ایم که بدون بسته سیاستی هم‌زمان اقتصادی – اجتماعی و ایمنی شهری (از حمایت‌های معیشتی و خدمات سلامت روان گرفته تا اصلاحات ایمنی در مترو) به سختی مهار خواهد شد.

سابقه خودکشی در مترو

مترو تهران نیز سابقه‌ای تلخ از این دست حوادث دارد. نخستین مورد ثبت شده به فروردین ۱۳۸۴ برمی‌گردد که دختری ۱۸ ساله در ایستگاه شهید بهشتی خودکشی کرد. از آن زمان تاکنون موارد متعددی گزارش شده است؛ در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ چندین خودکشی دیگر در ایستگاه‌های مختلف رخ داد؛ در سال ۱۳۹۳ یک زن میانسال در ایستگاه ولیعصر و یک مرد میانسال در خط ۴ این عمل را انجام دادند. دهه ۹۰ نیز سه حادثه تلخ ثبت شد: مهر ۱۳۹۵ مردی ۴۰ ساله در انقلاب با پریدن روی ریل خودکشی کرد و اسفند ۱۳۹۶ زنی ۲۸ ساله در میدان آزادی جان باخت. این روند در سال‌های بعد ادامه یافت؛ فروردین ۱۴۰۳ جوانی ۱۸ ساله در ایستگاه «جانبازان» و مرداد ۱۴۰۳ زنی ۳۰ ساله در ایستگاه ابن‌سینا دچار حادثه شدند. شاید یکی از غمبارترین این حادثه‌ها مربوط به تصویری بود که یکی از مسافران مترو آن را سال گذشته ثبت و ضبط کرده بود، پسری با پیراهن نارنجی جلوی قطار مترو زانو زده و می‌خواست خود را بکشد. فریادهای او بعد از آنکه از درون ریل قطار نجاتش دادند، همچنان در گوش مسافران می‌پیچد: «چرا نجاتم دادید، من می‌خواهم بمیرم!» یکی از رانندگان قطار سال‌ها پیش در روزی سرد زمستانی در ایستگاه هفت‌تیر شاهد لحظه‌ای ماندگار بود: جوانی

شدید قیمت‌ها مواجه شوند. از دیدگاه حقوق حیوانات، معدوم‌سازی دسته‌جمعی طيور، حتی اگر با گاز انجام شود، مورد انتقاد فعالان زیست‌محیطی و حقوق حیوانات قرار دارد. اگرچه برخی استدلال می‌کنند که این اقدام از ادامه نگهداری حیوانات در شرایط زیان‌ده جلوگیری می‌کند اما راهکارهای انسانی‌تری مانند فروش مرغ‌ها به کشتارگاه برای استفاده از گوشت وجود دارد که می‌تواند ضمن کاهش زیان اقتصادی، تبعات اخلاقی را نیز کمتر کند.

سوءمدیریت و سیاست‌گذاری ناهماهنگ دولت نیز یکی از عوامل کلیدی بحران است. تشویق به جوجه‌ریزی فراتر از نیاز واقعی، همراه با تأمین ناکافی و نامنظم نهاده‌ها، موجب افزایش مازاد عرضه و آشفته‌گی در بازار شده است. کمبود نظارت بر تولید و توزیع نهاده‌ها و تأخیر در ارائه حمایت‌های دولتی، شرایط بحرانی فعلی را تشدید کرده است و نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری ناکارآمد می‌تواند به سرعت، اثرات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد.

تبعات اقتصادی برای تولیدکنندگان بسیار ملموس است. حذف میلیون‌ها قطعه مرغ تخم‌گذار از چرخه تولید باعث شده تولیدکنندگان زیان سنگینی متحمل شوند، نقدینگی آنها کاهش یابد و برخی در آستانه ورشکستگی قرار گیرند. از سوی دیگر، کمبود نسبی محصول در بازار می‌تواند به افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان منجر شود و فشار اقتصادی را دوجندان کند.

در تجربه جهانی نیز مازاد تولید تخم‌مرغ گاهی رخ داده و نشان می‌دهد که مدیریت نادرست عرضه و تقاضا می‌تواند، تبعات جدی داشته باشد. در شرایط فعلی ایران روزانه بیش از نیاز داخلی تخم‌مرغ تولید می‌کند و با کاهش تقاضا در تابستان، خطر مازاد عرضه افزایش یافته است. به همین دلیل، اتحادیه مرغداران خواستار حمایت دولت است تا تولیدکنندگان دچار زیان نشوند و ثبات نسبی در بازار حفظ شود. این وضعیت نشان می‌دهد که بحران تخم‌مرغ تنها یک مسأله داخلی نیست بلکه هم‌زمان با تجربه جهانی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌گذاری هوشمندانه است.

بحران فعلی صنعت مرغ تخم‌گذار حاصل مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، مدیریتی و بازاری است. از یک طرف کاهش قیمت تخم‌مرغ و بالا رفتن هزینه‌های تولید، فعالان این بخش را متضرر کرده و از طرف دیگر سیاست‌گذاری پرتش تولید بیش از حد لازم را تشویق کرده است. اگر با تداوم شرایط کنونی تدبیری اندیشیده نشود، هم تولیدکنندگان نابود می‌شوند و هم امنیت غذایی کشور در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. روشن است که راه خروج از بحران، مدیریت علمی تولید، تأمین مؤثر نهاده‌ها و حمایت هوشمندانه دولت است، نه معدوم‌سازی دسته‌جمعی مرغ‌های سالم.



و بی‌واسطه جان خود را به خطر بیندازد چراکه هیچ سپر فیزیکی یا نگهبان ویژه‌ای میان او و ریل‌های مرگبار فاصله نمی‌اندازد. فارغ از این مقولات امنیتی، فقدان آمار دقیق از این حوادث خود معضل دیگری است. عموم خبرگزاری‌های داخلی، حوادث خودکشی در مترو را عموماً با عنوان «ورود غیرمجاز به حریم ریلی» مخفی می‌کنند و انتشار آمار جدیدی بیش از یک دهه به تعویق افتاده است. آخرین ارقام رسمی مربوط به سال ۱۳۹۳ است که در آن سال حدود ۱۷ تا ۱۸ نفر در ایستگاه‌های مترو اقدام به خودکشی می‌کردند. هرچند پژوهش‌های آن زمان روند افزایشی این پدیده را هشدار داده و به ضرورت نصب حفاظ‌های ایمنی تأکید کرده بودند، اجرا نشدن این راهکار نتیجه‌ای جز تداوم تراژدی به بار نیاورده است. به‌علاوه، وضعیت نامساعد اقتصادی کشور و بی‌توجهی به مسائل رفاهی مردم به‌وضوح خود را در این بحران نشان می‌دهد. اغلب قربانیان خودکشی جوانانی‌اند که نه‌تنها گرفتار مشکلات روحی، بلکه زندگی‌شان از حیث اقتصادی و اجتماعی نیز در بن‌بست بوده است. در چنین شرایطی لازم است برنامه‌ریزان شهری و مسئولان بهداشتی، ضمن ثبت منظم آمارها و شفاف‌سازی داده‌ها، اولویت را به اقدامات پیشگیرانه بدهند؛ از یک سو اصلاح شبکه ایمنی مترو (نصب PSD، افزایش مأموران سکو، آموزش و دکمه اضطراری کارا) و از سوی دیگر تقویت نظام حمایت‌های اجتماعی و روان‌شناختی که مانع از فروپاشی فردی شهروندان در زیر فشارهای معیشتی شود.

سلامت

واکسن بی‌کیفیت

واکسن‌های ایرانی HPV پاسخگوی انواع شایع HPV در ایران نیست

توقف ناگهانی فروش واکسن ایرانی HPV موسوم به پاپیلوگارد، موجی از نگرانی و پرسش را در میان بیماران و خانواده‌ها برانگیخته است. این تصمیم که به‌تازگی از سوی مسئولان دارویی کشور اتخاذ شده با ابهام‌هایی درباره کیفیت و اثربخشی واکسن‌های داخلی همراه است. مطابق با اعلام رسانه‌ها؛ در حال حاضر سه نوع واکسن HPV در بازار جهانی وجود دارد؛ ۲ ظرفیتی، ۴ ظرفیتی و ۹ ظرفیتی. پاپیلوگارد، واکسن تولید داخل از نوع دو ظرفیتی است و تنها توان پوشش دو ژنوتایپ ویروس یعنی ۱۶ و ۱۸ را دارد. در حالی که بررسی‌های علمی روی ۵۰ هزار نمونه در ایران نشان داده ۴ ژنوتایپ ۶، ۱۱، ۱۶ و ۱۸ شایع‌ترین انواع HPV در کشور هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد واکسن دو ظرفیتی به‌هیچ‌وجه پاسخگوی شرایط اپیدمیولوژیک ایران نیست. مینو محرز، رئیس پیشین مرکز تحقیقات ایدز ایران، در گفت‌وگویی تأکید کرده است: «واکسن پاپیلوگارد برای جامعه ایران کافی نبود. نمونه چهار ظرفیتی گاردیسان که با همکاری شرکت برکت تولید شد، پوشش مناسب‌تری برای انواع شایع دارد. اما پاپیلوگارد حتی در نسخه چهار ظرفیتی هم هنوز نتوانسته مجوز وزارت بهداشت را دریافت کند.» به گفته او، دلیل ارزان‌تر بودن واکسن ایرانی نیز حجم کمتر و اثربخشی محدود آن است. کارشناسان می‌گویند HPV یکی از شایع‌ترین بیماری‌های مقاربتی است که می‌تواند به زگیل تناسلی و در برخی موارد سرطان منجر شود. نبود واکسن مؤثر در کشور علاوه بر تهدید سلامت عمومی، زمینه‌ساز افزایش اضطراب‌های خانوادگی و اجتماعی خواهد بود. محرز تأکید می‌کند: «در بیماری‌های عفونی اگر واکسن مؤثر وجود داشته باشد باید از آن استفاده شود. واکسن بر درمان ارجح است زیرا درمان قطعی برای HPV وجود ندارد.» اگرچه ایران تلاش کرده، نمونه‌های داخلی واکسن HPV را تولید کند اما توقف عرضه پاپیلوگارد نشان‌دهنده مشکلات جدی در کیفیت و کارایی این محصولات است. منابع غیررسمی نیز می‌گویند هنوز بخش مهمی از واکسن‌های تولیدشده در کشور موفق به دریافت تأییدیه‌های لازم از وزارت بهداشت نشده‌اند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیر مسئول: امیر افتخاری • سردبیر: اکبر منجنبی • زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یافار، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضاسیاسی‌راد، امیر افتخاری • سبیده آری‌فر • حروفچین: مریم شهسوارزاده • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پست، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۲۶۲ • جاب: امید نشر

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده ● عکس: رضا معطریان ● ویراستار: سعیده آرین‌فر ● حروفچین: مریم شهسوارزاده ● نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ ● توزیع: نشر گستر امروز: ۶۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



ادامه دوشنبه ۲۹ بهمن

دیدار با سفیر جدید یمن

آقای عبدالقوی عبدالواسع الارانی، سفیر جدید یمین آمد. صحبت‌ها معمولی بود. دعوت کرد که به یمین بروم. فارسی خوب بلد است. در اوج انقلاب، در دانشگاه تهران دانشجو بوده و اوایل تشکیل مجلس به عنوان کاردار یمین به ملاقات من آمد. از مواضع قهرمانانه ایران در رابطه با مسایل جهانی و مستکبران تحدید کرد.

آقای [قدرت‌الله] علیخانی، نماینده بوبین زهرآمد، گفت، بر خورده‌های اخیر قوه قضائیه، باعث وحدت و انسجام دوم خردادی‌ها شده است؛ قبلاً درگیری داخلی داشتند. معتقد است، آقای [مهدی] کروبی، [رئیس] مجلس، در اظهارات اخیرش با کسی مشورت نکرده و با رهبری روابطشان تیره شده است. از من خواست که هم برای اصلاح روابط و هم برای حل مشکلات کمک کنم. آقای هاشمی شاهرودی، [رئیس قوه قضائیه] چون برای انقلاب زحمتی نکشیده، دلسوزی ندارد و کارهایی می‌کند که برای انقلاب و انقلابیون ضرر دارد. معتقد است افرادی مثل [محمدباقر] ذوالقدر، [جانشین فرمانده سپاه] و [میرحسین] رضایی، او را هتوت می‌کنند. گفت، نمایندگان سه قوه که مأمور تحقیق در پرونده شهرام جزایری شده‌اند و با او ملاقات در حضور قاضی داشته‌اند و اکنون نمایندگان آقایان کروبی و خاتمی، پشیمان‌اند که پذیرفته‌اند، ملاقات در حضور قاضی باشد؛ چون نمی‌توانند هر حرفی بگویند. آقای [حسین] محلولی، [وزیر سابق معادن و فراات] آمد. از [سازمان] بازرسی کل کشور ناراحت است؛ با اینکه تمامی پرونده‌سازی‌های گذشته در دادگاه به نفع او تمام شده اما باز دست‌بردار نیستند و از رهبری هم گله دارد که وضع را به گونه‌ای کرده‌اند که نه می‌تواند در بخش دولتی فعال باشد و نه در بخش خصوصی و انرژی‌اش هدر می‌رود.

عصر سردار / قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه آمد. به تازگی از لبنان برگشته است. گفت، بحمدالله کشتنی حامل کمک‌ها برای حزب‌الله به مقصد رسید و خیلی نگران این بوده. در لبنان با سراسر حزب‌الله، اوضاع جنوب لبنان و حزب‌الله و اسرائیل را بررسی کرده‌اند و احتمال حمله اسرائیل و آمریکا به حزب‌الله لبنان را مورد بحث قرار داده و برای هر فرضی، تصمیمی گرفته‌اند. معتقدند که اسرائیل نمی‌تواند، حزب‌الله را از میدان به در کند و امکانات خوبی دارد. زیاد و منظم است و می‌تواند در صورت درگیری، ضرب‌های کاری بر اسرائیل و نیز به آمریکا وارد کند. نیاز به کمک مالی بیشتر دارند.

برخی برابرترند!

قلعه حیوانات ۸۰ ساله شد

۸۰ سال از انتشار قلعه حیوانات گذشت. رمانی به قلم جورج اورول که در ظاهر داستانی درباره حیوانات یک مزرعه بود اما در عمق خود یکی از تندترین نقدهای قرن بیستم به قدرت، ایدئولوژی و خیانت به آرمان‌های انقلابی محسوب می‌شود.

انتشار این کتاب در بحبوحه پایان جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد به خودی خود یک موضع گیری سیاسی بود. بریتانیا و آمریکا هنوز در ائتلافی شکننده با شوروی قرار داشتند اما اورول هشدار داد که پشت پرده، استبدادی جدید در حال شکل گیری است. همین جسارت باعث شد، بسیاری از ناشران ابتدا از چاپ آن سر باز بزنند. اورول با قلعه حیوانات عملاً پرده از چیزی برداشت که سیاستمداران غربی ترجیح می دادند، نادیده بگیرند. خیانت شوروی به همان آرمان هایی که ادعای دفاع از آنها را داشت.

اما دامنه تأثیر قلعه حیوانات بسیار فراتر رفت. این کتاب نه فقط شرحی از تجربه شوروی بلکه الگویی جهانی برای فهم «خیانت انقلاب‌ها» شد. از انقلاب‌های شکست‌خورده خاورمیانه در دهه گذشته تا موج پوپولیسم در آمریکای لاتین و حتی روندهای اقتدارگرایانه در شرق اروپا در همه جا می‌توان بازتاب همان داستان او را دید: رهبرانی که با شعار عدالت و آزادی می‌آیند و در غیاب شفافیت و نظارت، خود به اربابان

تازه بدل می شوند.

اورول که خود تجربه زیسته نزدیکی از انقلاب‌ها و جنگ‌های ایدئولوژیک داشت در قلعه حیوانات نشان داد چگونه یک انقلاب آزادی‌خواهانه در فقدان نهادهای پیاپی‌خو، شفافیت و تقسیم واقعی قدرت، می‌تواند به استبدادی تازه منجر شود. حیوانات مزرعه علیه ارباب انسانی خود قیام می‌کنند. آنها به دنبال آزادی، برابری و عدالت‌اند. اما خیلی زود قدرت به دست خوک‌ها می‌افتد. خوک‌ها، که ابتدا با شعار برابری بر مسند قدرت می‌نشینند، در پایان شبیه همان اربابانی می‌شوند که مردم علیه‌شان شورش کرده بودند. شعار معروف کتاب «همه حیوانات برابرند اما برخی برابرتر از دیگران» خلاصه‌ای است از فساد ذاتی قدرتی که همه چیز را در اختیار می‌گیرد.

در آگوست ۱۹۴۵ زمانی که جهان هنوز از شوک جنگ جهانی دوم بیرون نیامده بود، جورج اورول رمانی منتشر کرد که در ظاهر قصه‌ای کودکانه درباره حیوانات یک مزرعه بود اما در واقع به یکی از سیاسی‌ترین و تندترین متون قرن بیستم تبدیل شد. امروز ۸۰ سال پس از انتشار قلعه حیوانات، پیام این کتاب بیش از هر زمان دیگری طنین‌انداز است. انقلاب‌ها و انقلابیون بدون نهادهای پاسخگو، خود به آنچه تبدیل می‌شوند که روزگاری با آن مبارزه کرده بودند.

درس اصلی او رول ساده اما دیگال است. قدرت بدون کنترل ذاتاً فاسد می‌شود. حتی وقتی در پوشش آرمان‌های انقلابی عرضه شود، بدون نهادهای مستقل، آزادی پایدار نخواهد ماند. این همان هشدار است که بسیاری از جنبش‌های معاصر نیز از یاد برده‌اند؛ هشدار که هزینه آن بازگشت مکرر به همان چرخه ارباب و رعیت است. ۸۰ سال پس از انتشار، قلعه حیوانات همچنان بیش از یک رمان ادبی است؛ این کتاب یک مانیفست سیاسی جهانی است. او رول با زبانی ساده اما گیرنده نشان داد که انقلاب بدون قانون، بدون شفافیت و بدون نهاد، چیزی جز بازتولید استبداد نیست و شاید همین است که قلعه حیوانات را از یک اثر کلاسیک ادبی به کتابی ضروری برای فهم سیاست معاصر بدل می‌کند.



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مسابقه عمومی یک مرحله‌ای

همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به شماره ۴۰۴/۴۰۴ پروژه تعمیر، مرمت و بهسازی ساختمان HSE چشمه خوش

شماره فراخوان: ۴۰۴۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۱۶

شماره آگهی: ۱۹۸۵۲۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

شماره ۴۰۴/۴۰۴ پروژه تعمیر، مرمت و بهسازی ساختمان HSE چشمه خوش

شماره فراخوان: ۴۰۴۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳
بن نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی
واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۶۸۰۰۸۸۱۴ مورخه ۱۴۰۲/۹/۱۵ پرونده کلاسه ۰۰۹۴۰۰۰۹۶۸۰۰۰۸۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه باعلامراض مالکیت آقای امیر رضا کیلیلی فرد به شناسنامه شماره ۹۴۳ که مدلی ۰۰۱۴۴۳۳۳۳۰۰ صادره از تهران فرزند حسین علی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری باغ بمساحت ۵۰۹ متر مربع که نسبت به ۳۴۰ متر مربع آن باستانه ثمنیه ار عرصه و اعیان وجود دارد پلاک شماره ۲۸ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین انتقالی برابر سند رسمی مشاعی - سند صلح اموال غیر منقول به شماره ۳۵۷۹۱ مورخ ۱۴۰۳/۴/۰۴ دفتر خانه اسناد رسمی در قزوین از محسن نصری و حسین نصری تایید و محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

صمد قدیم آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۷۶۰۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ نئینامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۳۰۹۰۶۸۰۳۳۲۵ مورخه ۱۴۰۴/۳/۱ پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۶۸۰۰۴۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی مالکیت آقای عبدالله کشتکار آقا بابائی به شناسنامه شماره ۷۲۷۳۳ کد ملی ۵۰۹۸۹۷۱۹۴۲ صادره از بوئین زهرا - دشتابی فرزند محمد ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری باغ با حفظ حقوق احتمالی خرائم به مساحت ۶۰۶ متر مربع پلاک شماره ۳۱ اصلی واقع در قزوین بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری از صفورا کرمی منتسب به مالکیت نامبرده تایید و محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تا، بخ انتشار، نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲، تا، بخ انتشار، نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

رئیس ثبت اسناد و املاک
صمد قدیم آبادی

شناسه آگهی ۱۹۷۵۹۳۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ تئینامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۹۶۸۰۰۳۴۲۱ هیات اول پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۰۰۹۰۸۰۰۳۵۵ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اصغر صفدری به شناسنامه شماره ۹ کی ملی ۴۳۹۱۷۰۲۲۰ صادره از قزوین - قافزارن فرزند محمد تقی در شناسدگان یک قطعه زمین موروثی با کاربری باغ باستانشناسی با حفظ حقوق احتمالی حرائم به مساحت ۳۰۰ مترع پلاک شماره ۳۲ واقع در قزوین - بخش ۵ حوزه ثبت ملک منطقه دو قزوین خریداری از سند رسمی مشاعی - سند صلح اموال غیر منقول به شماره ۳۱۷۲۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۰ دفتر خانه سند رسمی ۱۲۴ قزوین از محمد ابراهیم فولادری تایید و محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضات درخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تا، بخ انتشار، نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۷

صمد قدیم آبادی
نیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی ۱۹۷۶۰۴۸